

اُمید

در امریکانه

\$1.50

شمارهٔ سوم / سال سی یم / ۳۰ جوزای ۱۴۰۰ / ۲۱ جون ۲۰۲۱ / شمارهٔ مسلسل ۱۰۸۳

بر کور و کر ار نکته نگیری، مردی
گر دست فتاده‌ای بگیری، مردی

گر بر سر نفس خود امیری ، مردی
مردی نبُود فتاده را پای زدن

عبدالله رودکی سمرقندی تاجیک، پدرشعرفارسی، حدود ۱۱۹۰ سال پیش

افغان مینى مارکيت عرضه ککنده

انواع مواد خوراکه وطنى

یگانه مغازهٔ افغانی در منطقهٔ واشنگتن بزرگ

که تازه ترین موادخوراکی، میوه های فصل، نان های تازهٔ وطنی، روت ها، میوه های خشک تازه وارد از افغانستان، وگوشت های تازهٔ مرغ، بره، گوسفند، گوساله و گاو را با بهای مناسب تقدیم می کند

6566 Backlick Rd.Springfield. VA 22150
Tel:703-644-0186 Cell:703-499-3313

محمدنعیم کبیر شمال کالیفورنیا

سیاست حذف تاجیکان

بعد از هجوم و تاراج مردم شمالی (کوهدامن، کوهستان، پروان، پنجشیر، کاپیسا) توسط مهاجمان جنوب بنام لشکر قبایلی نادرخان، معادلهٔ مناسبات بین اقوام کاملاً برهم خورد. در یکطرف مردم ستمدیدهٔ شمالی، و درطرف دیگر ایلجاری نادری با یک قدرت نامتناسب قرار گرفت. این معادله تا تاراج دارایی‌هاو چنواری بزرگان شمالی برای سالهای متمادی باقیماند. و قتیکه تاجداران آل یحیا باتصفیهٔ شمالی از خطر نظامی آنها کاملاً مطمئن شدند، آهسته آهسته برای وارد شدن به یک فرهنگ شهری و شایسته در صدد نزدیکی با تاجیکان برآمدند.

در حالیکه خدمات ملکی و سیستم اداره توسط تاجیکان به پیش برده میشد، خانواده‌های مهاجر جنوب‌وارا کین دربار در صدد پیوند های خانوادگی برآمدند. تقویهٔ این مناسبات باعث امتزاج بیشتر پشتون‌ها با تاجیک‌ها شد. آهسته آهسته رفت‌وآمد هابیشتر شد و صاحبان باغ و زمین در شمالی حاضر شدند باغ و پلوان خود را به خویشان و ندان جدید که از امتیازات مالی خوبتر برخوردار بودند بفروشنند. کالونی‌های پشتون(افغان) در قره‌باغ، در سیدخیل در سیاهگرد و نقاط دیگر عرض اندام کرد که با داشتن ارتباط با ارگ در فعالیت‌های سیاسی جانشین بومیان گردیدند.

بابه قدرت رسیدن طالبان در کابل و تهاجم آنها در شمال معادلهٔ مناسبات یکبار دیگر دستخوش تغییر شد. ناقلین اولین کسانی بودند که در شمالی بیرق‌های سفید را بلند کردند و حتی خانواده‌ها را دستخوش هیجان و تعجب ساختند. اعضای خانواده‌ها بنابر پیوند تباری به همه دوستی‌ها پشت پا زدند و از طالبان حمایت کردند.

نشست بن با امتیازات محدود به تاجیکان توانست بار دگر اعتماد از دست رفته را بازگرداند و مناسبات برهم خورده را پتره نماید. بزودی فهمیده شد که کرسی طرح مادگل مومند را می‌خواهد تکمیل کند. ترور شخصیت‌ها در ساحةٔ سیاست و قتل سربازان درسنگر و رهایی زندانیان طالب از بگرام به شدت ادامه یافت. اوبا تطمیع افراد سرشناس شمالی یک حلقهٔ نزدیک از تاجیکان را با خود همراه ساخت که هنوز هم از حمایت میکنند.

اشرف غنی سیاست حذف تاجیکان را دنبال کرد. یا آنها را از قدرت بر انداخت یا با دادن القاب و کرسی‌های موقتی آنها را بهم انداخت. امروز وقتی همایش‌های مردمی براه انداخته می‌شود عدهٔ بجای ایستادن در پهلوی خودی، به ساز بیگانه



ماه عَرَب سال ۱۳۰۸ خورشیدی. تصویری از انتقال جبری مردان کوه‌دامن یک‌کابل بعد از شکستن پیمان و سوگند به کلام پاک الهی(قرآن الکریم) توسط نادرخدا ر یا امیر حبیب الله کلکانی این تصویر توسط عکاس جرمن Suddeutsche zeitung از SCHERL گرفته شده

میرقصند. اینها:

۱– یا با خو یشاوندی با پشتون‌ها کر و گنگ ولال شده اند یا:

۲– با وعده امتیازات از خود بریده به بیگانه پیوسته اند
یا: دیگر به باغ و درخت و خانهٔ شمالی احتیاج ندارند و ضرورت‌های خود را در دوبی و استانبول و حیات آباد اقناع میکنند یا:
۴– اصلاً به هویت و فرهنگ و تاریخ و ناموس اعتنا ندارند. شما چه فکر میکنید؟!/

مسعود، رهبر آزاده و باتقوا

وقتی یکتن از خبرنگاران مخالف از سفیر فرانسه پرسید: آیا «مسعود» بردهٔ شما بود؛ چرا اینقدر به او دلیستگی دارید و همه ساله بخاطر یادبود او تصویرش را در پارلمان این کشور نصب می کنید؟!

سفیر فرانسه در جواب گفت: آیاتاکنون دیده اید که کسی یا کشوری تصاویر برده های خود را در بالاترین نهاد دولتی و یا خانه های خود نصب کند؟ نخیر! ما «مسعود» را به دیده یک رهبر آزاده و با تقوا می نگریم و این احترام و جایگاه تانسل های بعدی نیز ادامه پیدا خواهد کرد. (کمال سیاوش گردیان)

تسلط ترک تباران فارسی شده راطهور حاکمیت پشتون ها به چالش کشید و احمد شاه بابا بانی امپراطوری درانی ها از بطن بحران در دولت افشار سربلند کرد.

اگر نگاه سرسری و کوتاه به منازعه زمین در شمال افغانستان نمایم تاجیک ها هیچ منازعه زمین با پشتون ها ندارند و اگر دارند کوچک است زیرا آنها قرن ها قبل زمین های خود را از دست داده بودند مانند تخارستان، بادغیس، بغلان و غیره.
بیشترین منازعه زمین در شمال افغانستان اکثرا میان ترک تباران و پشتون تبارهای افغانستان است و این بر می گردد به ساقط شدن حاکمیت ترکان فارسی شده و ظهور حکومت های عمدتا پشتون در افغانستان شروع از نیمه دوم قرن هجده.

در این ادوار تاجیک ها برای بقا و زیست بیشتر رو آورده بودند به آنچه از دید تحلیل تمدنی قوت شهری به آن خطاب می گردد.
آنها یی که زمین پایگاه قدرت شان نیست متوسل به تحصیل، کسبه کاری، تجارت و کارهای شهری می شوند. البته به خاطر اینکه این متن دراز نشود من از سلسله حاکمان بخارا و حصار که حاکمیت شان تا آمدن استالین دوام کرد و از دید تباری نیز تاجیک مخلوط با درصدی کم ترک بودند نمی پردازم .

یکی از مشخصه های تمدن شهری و دهنشین این است که پدیدهٔ قوم در آن ساختار عمودی ندارد و جامعه به وسیله زبان مشترک، دین مشترک، فرهنگ مشترک، مروده فرهنگی و داد ستد تجاری با هم وصل اند نه تبار و قوم به همین خاطر است که جامعه شان شان می گویند تاجیک ها مردم قبیله ای نیستند نه اینکه قبیله از دید تبار شناسی بد است برعکس حاکمیت هایی که شکل گیری آنها بر اساس ساختار قبیله بوده در تاریخ بیشتر دوام کرده اند تا بر اساس مناسبات شهری و شهروندی .

مناسبات امروز و ارزش های مدرن نگاه منفی و قلیل به ساختارهای قبیله ای دارد اما این مبحث بسیار تازه و مدرن است. مقوله ای وجود دارد که دو پدیده می تواند یک ملت و یک هویت مشخص را بخاطر تسخیر قدرت به وجد و هیجان آورد. یکی عصبیت قومی و دیگری جذابیت قدرت و برهم زنی نظم و تسخیر غنیمت به منفعت فردی و یا گروهی. ایجاد عصبیت قومی و هویتی در میان تاجیک ها بخاطر مشخصه های تباری و تاریخی آنها مشکل تر از هر قوم دیگر است اما از اینکه تاجیک ها در هیچ دوره از تاریخ بصورت کامل از قدرت دور نبوده اند و به نحوی سهامدار بوده اند و از همین رو است که حس محرومیت نیز در میان آنها ضعیف و کم رنگ است. (دنباله در صفحهٔ هشت)

تاریخچهٔ طبابت در افغانستان

جلد اول و دوم این کتاب تاریخچه شامل ایام زرتشت تا سال های معاصر را با خاطرات دوران محصلی درفاکولته طب توأم دارد، و کتاب تازه باعنوان «ابن سینا» اثر داکترغلام محمدمستگیر تازه چاپ شده، علاقمندان ودوستان کتاب غرض خریدکتابها به نشانی های ذیل تماس حاصل نمایند.
اروپا به شماره ۰۶۴۴۴۴۴۰۶۰
امریکا به ایمیل ادرس dastageer2008@hotmail.com
لندن ۰۷۸۱۴۳۲۶۴۷۴

امرالله صالح قومیت و هویت تاجیک ها در فضای تنوع و کثرت گرایی

نوشتن در مورد قومیت و هویت قومی تنش زاست، زیرا روند مسلط این است که تعریف از هویت خودی معمولاً در ستیزه با هویت دیگر صورت می گیرد. در چنین حالت نظردهنده خواسته یا ناخواسته «خود» را بزرگ و برتر جلوه می دهد و بهای این بزرگ بینی را باید هویت دیگر که در عین سرزمین زیست می نماید بپردازد. امروز که مسلط ترین گفتمان در محور هویت قومی، گسست و فروپاشی روایت های تاریخی و رسیدن مجدد به هویت بزرگ مورد اتفاق همه می چرخد گاه و ناگاه بر من ایراد می گیرند که نظر مشخص من راجع به قومیت و هویت چیست؟

با آنکه من به این پرسش در گذشته بصورت نامنسجم صحبت کرده ام، نخست باید تاکید نمایم که هدف این نوشتهٔ کوتاه، تاختن بر دیگر و بزرگ نمایی خودی نیست. صرفاً ایجاد جرقه برای بحث عقلانی و خونسردانه راجع به بیداری هویتی و تازه سازی ریشه ها است. جامعه بشری از دید تمدنی و تاریخ تمدن چنانچه ابن خلدون گفته است به دو شاخه بزرگ تقسیم می شوند. تمدن صحرا و چادرنشینی و تمدن متوطن و شهری.

تاجیک ها از دید تمدن به شاخه دوم تعلق دارند یعنی برای زیست و بقا اتکا به کشاورزی، کسبه کاری در شهر، مهارت های شهری و حضور در کتابت و دیوانداری بوده و بیشتر از دیگران مراودات شهری داشته اند به همین دلیل است که در شماری از ولایات پشتو زبان افغانستان تاجیکان را دهگان می گویند یعنی دهقان. کلمهٔ دهقان در گذشته مفهوم امروزی خود را نداشته است بلکه معنای اصلی آن صاحب زمین بوده اما امروز دهقان به کسی خطاب می گردد که بالای زمین کار می کند نه الزاماً مالک زمین.

در تبصره کنونی به تعریف و مشخصه های تمدن سرا نمی پردازم. سلسله سامانی ها از دید تباری تاجیکان سچه بودند که ساحه حاکمیت شان شامل افغانستان امروزی قسمت هایی از پاکستان امروز، بخش های از ایران امروز و تقریباً کل آسیای میانه می شد. سلسله سامانی ها در اثر کودتای نظامیان ترک تبار حکومت سامانی که بعدها شهرت به غزنوی ها یافتند از هم پاشید و از همین رو است که در میان تاجیکان آسیای میانه هیچ خانواده ای اسم فرزندان اش را محمود نمی گذارد، اما این حساسیت در میان تاجیکان افغانستان وجود ندارد زیرا خود را هموطن و هم سرزمین با محمود غزنه می دانند.

پس از فروپاشی حاکمیت تک قومی سامانیان که تاجیک بودند تاجیک ها سهامدار در آنچه حاکمیت های ترک فارسی می گویند شدند. اصطلاح ترک فارسی از آنجا سرچشمه می گیرد که حاکمان ترک تبار این خطه در تبار ترک و در زبان و فرهنگ فارسی بودند. مانند غزنویان، بابری ها و تیموریان. در اثر استیلای طولانی ترک تباران فارسی شده بخش هایی از تاجیک ها، زمین های حاصل خیز خویش را از دست دادند و زیر فشارهای طولانی در مناطق سخت گذر و دره های دور افتاده، تنگ و کم حاصل جابجا شدند که اکنون این ساحات میان افغانستان و تاجیکستان تقسیم شده است. (دنباله در ستون وسط این صفحه)

داکتر غلام محمد دستگیر بروفیلد، کولورادو قتل عام نژادی صد سال قبل امریکا امروز در افغانستان ادامه دارد

از روز سه شنبه ۳۱ می تا اوایل صبح چهارشنبه اول جون ۱۹۲۱ قتل عام سیاه پوستان مسکونهٔ محل Greenwood Tulsaایالت اوکلاهما توسط یکدسته جنایتکاران سفید پوست محلی به وقوع پیوست. در این تهاجم غیر انسانی و مدنی خانه های سیاه پوستان را تخریب نمودند و بزنس هایشان را که به نام «وال ستریت سیاه پوستان» یا مرکز ثروتمند ترین سیاه پوستان امریکا شهرت داشت به آتش کشیده و به خاکستر مبدل ساختند. بد ترین تشدد و خشونت را در برابر انسان ها، مخلوق خداوند که پوست شان راسیاه ساخت، درج تاریخ ساختند. حمله از زمین و از هوا توسط طیاره های شخصی به کومک متصدیان شهر صورت گرفت و یک ساحهٔ ۳۵ مربع کوچه ها و خانه ها یا ۳۵ square blocks تخریب و مردم بیگناه و زحمت کش را به خاک و خون غلتانیدند.

اضافه از ۸۰۰ نفر در شفاخانه بستر شدند و اضافه ار شش هزار نفر سیاه پوست در زیر خیمه ها و دیگر تسهیلات بزرگ جاه داده شدند. بیوروی «احصائیة حیاتی» اوکلاهما وفیات را ۳۶ نفر رسماً اعلان نمود. در سال ۲۰۰۱ یک کمیسیون ایالتی این فاجعهٔ دلخراش را مورد تحقیق و مطالعه قرار داد و ۳۹ نفر وفیات که ۲۶ نفر سیاه پوست و ۱۳ نفر سفید پوست بود با اساس اسناد ثبت وفیات، راپور اتویسی و قبر دسته جمعی و دیگر ریکارد ها تثبیت نمود. ولی رقم اصلی وفیات را بین ۷۵ تا ۳۰۰ صد نفر تخمین نموده به سمع جهانیان رسانیدند.

این جنایت با یک تهمت، در آخر ماه می ۱۹۲۱ آغاز یافت. طوریکه یک جوان ۱۹سالهٔ سیاهپوست به نام Dick Roland که مسلک بوت رنگی داشت (بعضی سفید پوستان که بوت شان رنگ میشد مزد وی را نداده با کراهیت از وی دور میشدند) به لیفت یا elevatorعمارتی به نام Drexel buildingداخل میشود. لیفت توسط یک دختر ۱۷ سالهٔ سفید پوست به نام Sarah Pageفعال ساخته میشد. دختر ازین سیاه پوست میترسد و از لیفت با حال پریشان بیرون می رود و تعبیر میشود که آن جوان سیاه پوست بر وی تجاوز نموده است. دیک رولاند گرفتار میشود و محبوس میگردد. همزمان در شهر آوازه افتاد که وی را به دار می آویزند. بعد از پخش این راپور یک گروه متهاجم صد نفری سفید پوست در حوالی محبسی که دیک رولاند محبوس بود جمع میشوند تا از اعدام وی نظاره داشته باشند حظ برند و سرور سر دهند. همچنین، یک گروه هفتادوپنج نفری سیاه پوستان که بعضی شان مسلح بودند هم به محبس آمدند و تقاضا کردند تا دیک رولاند به دار آویخته نشود. پولیس ویا در ان زمان sheriffمردم را به ترک محل تشویق میکند و اطمینان می دهد که هرچیز تحت کنترل شان است. هنوز گفتار «شیریف» ختم نشده که صدای فیر تفنگ شنیده میشود و آتش تشدد و خشونت بین دو گروه سیاهپوست و سفید پوست در میگردد؛ در پایان روز ده نفر سیاهپوست و دونفر سفیدپوست به قتل می رسد .

با پخش این زدو خورد و خبر کشته ها، شورش و خشونت سفید پوستان شکل میگیرد. در همسایگی سیاه پوستان خود هجوم می برند و هر «انسان» را که پوست تاریک دارد به قتل می رسانند، خانه و بزنس های شان را چور نموده به آتش میکشند. در حوالی بعد از ظهر اول جون گارد ملی فعال می گردد، قیودات شب گردی اعلان می شود و قتل و غارت توقف می یابد .

Imaid Weekly

12286 Ashmont Ct. # 202

Woodbridge, VA 22192 –7075 U.S.A.

Tel/Fax : (703) 491-6321

mkqawi471@gmail.com

ناشر و مدیر مسئول : محمدقوی کوشان

درین فاجعه تقریباً ده هزار سیاه پوست بیخانه شدند و ملکیت های شخصی شان تخریب و سوختانده شد. خساره ای ملکیت و جایداد ها، یک ونیم ملیون دالر، و از ملکیت های شخصی، هفتصد و پنجاه هزار دالر، تخمین گردید؛ در سال ۲۰۲۰ این خسارات ۳۲ عشاریه ۶۵ ملیون دالر تخمین شد. سیاه پوستانی که زنده ماندند بلادرنگ تولسا را ترک گفتند. برای ده ها سال سیاه پوستان و سفید پوستان محل در باره ای تهاجم و مصیبت قتل و چورو چپاول و خساره ها خموش بودند و لفظی به زبان نمی آوردند. از جانب دیگر، این حادثهٔ دلخراش و شرم آور را از تاریخ محلی، ایالتی و ملی نا پدید ساخته بودند قسمیکه امروز جمهوری خواهان میخواهند حادثهٔ بغاوت و کودتای ناکام روز ۶ جنوری ۲۰۲۱ را از صفحات تاریخ شان گم سازند.

در سال ۱۹۹۶ یا ۷۵ سال بعد از وقوع این هجوم خشونت همراه و قتل عام، یک گروپ متشکل از قانون دانان هردو حزب دیموکرات و جمهوری خواه ایالت اوکلاهما به تاسیس یک کمیسیون موافقه کردند تا شورش و جنایت تولسا را مورد تحقیق و تدقیق قرار دهند. کمیسیون در سال ۲۰۰۱ آخرین راپور خود را نشر کرد، و نوشته بودند: «شهر داران تولسا با همشهریان سفید پوست به ضد همشهریان سیاه پوست توطئه نموده بودند و آنها را به خاک و خون غلتانیدند». بالنتیجه، به حکومت محلی ایالت اوکلاهما پیشنهاد عرضه داشتند تا «برای بازماندگان حادثه و انهایی که تا هنوز حیات دارند جبران صورت گیرد».

ایالت اوکلاهما، به تآسی از پیشنهاد کمیسیون برای باز ماندگان پروگرام های سکالرشپ طرح و تشویق نمود تا در Greenwoodمحل سکونت سیاه پوستان که صد سال قبل به خاکستر تبدیل شده بود، آبادی ها بنا گردد و هم یک پارک یادگار برای یادویود کسانیکه درین عمل غیر انسانی جان های شیرین خود را از دست داده بودند تاسیس یابد؛ پارک در سال ۲۰۱۰ بنا یافت. از سال ۲۰۰۲، به اینطرف قتل عام تولسا جزء کوریکولوم درسی تمام مکاتب اوکلاهما گردید تا مردم از تاریخ خود آگاه باشند و چنین فاجعه دوباره رخ ندهد.

در اول جون ۲۰۲۱ رئیس جمهور امریکا جو بایدن در سالگرد صدمین سال فاجعهٔ غیر انسانی و غیر مدنی قتل عام از ساحه دیدن کرد و وی اولین رئیس جمهور است که در طی صد سال از پرزیدنت وارین جی هاردینگ Warren G. Hardingتا پرزیدنت Donald Trumpمجموعا هفده روسای جمهور، از محل دیدن میکند و ابراز تسلیت و غم شریکی به جامعهٔ سیاه پوستان امریکا تقدیم میدارد. رئیس جمهور بایدن در بیانیهٔ خود بیان داشت: «بعضی بی عدالتی ها آنقدر شنیع، هولناک و اندوهناک است که، هر قدر مردم کوشش کند، قطعاً نه فراموش شده می تواند ونه دفن میگردد...».

در افغانستان قتل عام یک محل نه بلکه صدها محل در جریان است. توطئه های تهاجم کوچی ها و ظلم طالب دوام دارد؛ لست طویل است درینجا فقط ظلم و خشونت به ارتباط موضوع بیان میگردد. تعداد کشته شدگان ۳۰۰-۷۵ نفر نه بلکه تنها قتل عساکر و افسران پولیس ۴۵۰۰۰ نفر است. قرار راپور بی بی سی در ۲۷ حنوری ۲۰۲۱ که از کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان معلومات به دست آورده است در سال ۲۰۱۹ بیش از ده هزار غیر نظامی کشته و یا زخمی شده است. در سال ۲۰۰۲، سه صدوسی زن و ۵۶۵ کودک کشته و ۵۱۷ زن و ۱۴۵۴ زخمی شده اند وهم ۱۱ خبر نگار را کشته و ۱۷ نفر دیگر را زخمی ساخته اند . متأسفانه تا امروز کشتار دوام دارد.

در افغانستان علاوه از خانه ها و بزنس ها که تخریب و حریق شد، پایه های برق، پل ها، مساجد، مکاتب هم تخریب و هم سوختانده شده می رود. مزارع نزدیک به حاصلات مردم که ماه های برای تغذی فامیل خود کشت نموده بودند هنوز هم توسط تهاجم کوچی ها در هزاره جات تخریب میگردد و یا مثل پدران خودغضب می نمایند . اگر در تولسای اوکلاهما یک تعداد سفید پوستان نفرت گرفاشیست مزاج و تبعیض جو قتل عام را با کومک حکومت محلی پیاده کردند در افغانستان علاوه بر تهاجم کوچی ها طالبان ظالم که ۹۵٪ پشتون اند و هواخواهان افغانی دارند

مسؤول همه قتل و تخریبات اند که در اکثر موارد حکومت هم زمینهٔ تهاجمات برای هردو کوچی و طالب که در اصل از همدیگر فرق ندارند مهیا میسازد.

دراو کلاهما، به بهانه توهین یا تجاوز یک جوان زحمت کش سیاه پوست بر یک دختر جوان سفید پوست بود تا مرکز ثروتمند ترین سیاهپوستان امریکا را با مشهور ترین جراح سیاه پوست محل که «برادران میو» مؤسس Mayo clinicاورا بهترین جراح یاد کرده بودند و A.C. Jackson نام داشت به خاکستر مبدل سازند. در افغانستان طالب ظالم قهرمان ملی، پروفیسوران، ژورنالیست ها، دوکتوران، مولوی ها خبر نگاران و رئیس جمهور سابق را که اکثریت شان غیر پشتون بودند بدون دلیل فقط به امر بادران شان از نعمت زندگی و فامیل داری محروم ساختند. در جملهٔ آخرین ظلم وستم طالبان ظالم شهادت دو دختر قشنگ و هنرمند است که لطیفه و طیبه نام داشتند. این دو جوان که با آرزوهای خدمت بوطن ازطریق هنر فلم های کوچک کارتونی بودند یک جا به خاکستر تبدیل شده اند فامیل ها را سوگوار ساخت ؛ داکتر شیباز رحیمی رثای سرود که چنین شروع شده است:

ز خون این همه گل های پر پر

عجب چون این زمین نبود معطر

سرای اندر سرایش جوی خون گشت

روان اندر روان از دیده گوهر

شورش قتل عام نژادی تولسا اضافه از ده هزار نفر را بی خانمان ساخت و مجبور به ترک محل نمود، طالب ظالم صدها هزار نفر را بی خانمان ساختند و جوانان هزاره های ما را در راه و نیم راه سر بریدند و انتحاریون شان در راه پیمایی جنبش روشنایی برای عدالت خواهی و مساوات که راه پیمایی صلح آمیز و به اجازه ای دولت برای تقاضای روشنی برق قدم برداشته بودند مورد حملهٔ انتحاریون طالبی قرار گرفتند و در روز شنبه دوم ماه اسد ۱۳۹۵ش مطابق ۲۳ ماه جولای ۲۰۱۶ به تعداد ۸۴ نفر بشمول ۳۰ نفر جوانان قانون دان تازه نفس را پارچه پارچه به هوا پراندند و ۴۰۷ نفر زخمی به جا گذاشتند؛ تا چند روز روی سرک دهمزنک سرخ رنگ بود و توته های خورد عضو انسان در آنجا تیت و پرک موجود بود.

کسانیکه از قتل عام نژادی تولسا در منطقه مانده بودند برای سالها خموش بودند از فاجعهٔ رقت بار یاد نمی کردند. در افغانستان اضافه از چهل سال است که پاکستان از جنگ های نیابتی تا دزدی ریشه درختان و معادن گران بهای ما جور و چپاول دارند ولی لیدران (؟) و حتی پارلمان خموش بوده یکی دوصدایی که بلند میشود در میان لت و کوب و غالمعال و لچری ها نا شنیده و بی اثر میماند. حمدالله محب رئیس شورای امنیت ملی که صدا بلند کرد وزیر پاکستان با چه بی حیایی نبود که بر او تازید و چقدر خوش شدم که گفتار آقای محب خون این دشمن خبیث مردم افغانستان را به جوش آورد. و باید بدانند که چند کلمه خونش را به جوش آورد قیام عمومی مردم چسان جوش در کله و مغز ها و سرزمین شان تولید خواهد کرد. با این رفع خموشی و بلند کردن صدا باید پاکستان به محاکمه کشانیده شده غرامات جنگ نیابتی و تخریبات و قتل های حاصله از طالبان نوکر شان که ترلیونها دالر می شود تقاضا شود .

موضوع دلچسپ درینجاست که در سال ۲۰۱۰ صدر اعظم جدید الانتخاب بریتانیا David Cameronدر یک مصاحبهٔ خود گفته بود که: «پاکستان ترور و دهشت صادر میسازد» و وقتیکه دفترش خواست گفته اش را ترمیم کند دودقیقه بعد گفت: «پاکستان مسؤول پخش تروریزم است» و هم گفته بود «پاکستان در سال ۲۰۰۹ طالب را به تروریزم تشویق نمود» وهم در هند اظهار داشت: «مالیه دهندگان بریتانیا به من رای نداده اند که هر جا بروم و هر چیزیکه مردم میخواهد برای شان بگویم». بدیهیست که این گفتار صدراعظم بریتانیا بر لیدران وقت پاکستان خوش نخورد و گفتند ما ۳۰۰۰۰ نفر تلفات داده ایم که بفکر من کنایهٔ بود به بریتانیا و گوشزد ساخت تا متوجه شوند که پاکستان کارهای چتل شان را در منطقه پیش میبرد ممکن روی همین دلیل باشد که پاکستان را بعضی ها چتلستان نام داده اند. آقای کامیران، به روز ۲۰ اپریل ۲۰۱۱برای ویزیت به پاکستان(دنباله در ص ۸)

انجنیر **عبدالصبور فروزان** استاد یونیورستی نیوجرسی

زندگی در مناطق زیر ادارهٔ طالبان

درولسوالی تیورهٔ ولایت غور درنیمه های شب چند طالب مسلح درب منزل مردی رابه شدت میکوبند وصاحب منزل که ازبزرگان قریه خودمیباشد، ودر میان مردم محل به خیرخواهی ومردمداری شهرت داشت، خانمش ازشدت کوبیدن در به وحشت افتیده بدون اینکه فکرکند، به حویلی برآمد تا بداند چه کسی درین نیمهٔ شب با این شدت درب منزل رامی کوبد، ولی دیگر دیرشده بود وطالبان درب راشکسته وداخل حویلی شده بودند. خانم باطالبان دست و گریبان میشود، درهمین حال شوهرش به کمکش میرسدو زدوخوردشان با طالبان شدت می یابد، وطالبان هردو را ازحویلی بیرون کرده دربیش روی خانهٔ شان تیرباران کرده شهید می سازند .

«قمرگل دخترپانزده سالهٔ آنها که بابرادردوازده ساله اش دریک اتاق استراحت بود، میگوید من با برادرم خواب بودم که صدای کوبیدن در بیدار شدیم دیدیم طالبان پدرومادر مارا لت وکوب کنان ازحویلی بیرون کرده در پیش دروازهٔ حویلی بالای هردو آنها فیرکردند . من وبرادرم که ازترس به بام رفته بودیم وقتی دیدم پدرومادرم راکشندند ازبام پایین شده تفنگ پدرم راگرفته ازکلکین نشانه گرفتم، بسم الله گفته فیرکردم، مرمی هاراسأ به جان طالبان خورد، دونفرشان به زمین افتادند و کشته شدند، وتعدادزیاد دیگر شان زخمی شدند. دیدم که یکی ازآنها داخل حویلی شده می خواست داخل خانه شود، برادرکم تفنگ را ازدستم گرفت وفیرکرد، مرمی به آن طالب خورد و چپه شد. چند دقیقه بعد دیدم که همهٔ طالبان گریختند. من رفتم که مادر وپدرم راکمک کنم، سرشان را بلندکردم دیدم که هردوی آنهاجان داده بوده وسینه های شان سوراخ سوراخ شده بود.

قمرگل این دختر قهرمان میگوید پدرم برای من وبرادرم یاد داده بودکه چطور فیرکنیم. من ازمرگ مادروپدرم بسیار جگرخون هستم، ولی خوشحال هستم که انتقام آنهارا گرفتم و شکرخدارا می کنم که پدرم به من وبرادرم یاد داده بود که چطور تفنگ را بکار ببریم وچطور فیرکنیم . من تا آخرین قطرهٔ خون خود دربرابرطالبان می جنگم ».

مردم قریه ازفیرمرمی وچیغ وفریاد خانم خانه بیدارشدند، درهمان نیمهٔ شب به کمک آنهاآمدند، طالبان باقوت بیشتر برای انتقام برگشتند، ولی مردم با بیل و تبر و تفنگی که داشتند برای دفاع ازمقرگل وبرادرش دربرابر طالبان ایستاد شدند وبرخوردمیان مردم وطالبان واقع شد، که درمدت بسیارکم طالبان بزدلانه فرار کردند . بعد ها معلوم شدکه یکی ازآن طالبان لعین خواستگار قمرگل بود و از پدرش تقاضا کرده بودکه او را به زنی اش بدهد، اما پدر قمرگل به این وصلت راضی نبود ونمی خواست دختر خود را به آن طالب اوباش مزدوج سازد.درآن نیمهٔ شب آن طالب با طالبان دیگرآمده بودند که قمرگل رابه زور از خانه کشیده و با خود ببرند .

درنواحی تحت کنترل طالبان رسم برآن است که اگردریک خانه دخترنوبالغ وجوانی باشد وطالبان ازآن خبرشوند، به آن خانه می آیند ویکی ازطالبان راباخود می آورندوبدون رضایت پدر ومادروخود دختر، او را نکاح کرده به دست آن طالب می دهند . آنان درمناطق تحت کنترل خود به مردم می گویند که نگاه کردن دخترجوان درخانه گناه است بایداو را درازدواج کسی داخل کنند. اگرکسی دربرابراین فتوی طالبان مخالفت کند به قیمت جان خودش و خانواده اش تمام می شود .

زندگی درمناطق تحت کنترل طالبان باسختی ها، ترس ووحشت همراه است، درآن مناطق کسی اختیارخود، زندگی، خانه، مال وحتی اختیار زن وفرزندخود را ندارد. مردم محل باید برای طالبان غذا بدهند وباجبر واکراه ازهر چی عایددارند، بخشی رابه طالبان بدهند، درحالیکه آن عایدبه مشکل کفاف زندگی خودشخص را می نماید. درآن مناطق نه آبادی است نه درس و تعلیم ومکتب، نه نشاط ونه لذتی اززندگی کردن ! انسان هادرآن مناطق به مثابه حیوانات

زندگی می نمایند که اختیار حیات و ممات آنها به دست طالبان است .

ملک محمد یک دهقانی که درفیض آباد درناحیهٔ که درکنترول طالبان است مرد سالخورده ایست که سودای فرزندش او را خاموش وپریشان ساخته است، به خبرنگار نیویارک تایمز میگوید: من باچشم سر دیدم که طالبان به چه حدی پسر جوانم را لت وکوب کردند ومشت ولگد زدند ومن هیچ چیزی گفته نمی توانستم. پسرم که نامش نصرالله است، ازنآچاری به عسکری رفته بود تاقوت لایموتی برای ما پیداکند. وقتی خانه آمد کسی شیطانی کرد، طالبان آمدند واو را نه روز دریک خرابه بندی کردند وهرروزاو را لت وکوب می کردند ومراهم رامی بردند تالت وکوب پسرم رابیبنم .

من به چشمان خودمی دیدم که پسرم در زیرلت وکوب طالبان داد وفریادمی کرد و خون ازدهنش جاری می شد، بدنش ازلت وکوب کبودشده بود، نان وغذا به او نمی دادند، دست هاوپاهایش شب وروز بسته بود. بسترش زمین سخت بود ومن باچشمان خودم دیدم که درروز دهم پسرم در زیر لت وکوب طالبان جان داد ! حتی وقتی که جان می داد بازهم او را می زدند و من فریاد کشیدم به لحاظ خدا، او مرده است. بدنش باکثافات وخون آلوده بود و مرا اجازه دادند که با آب سرد او را شستشو کنم ولی دیگرخیلی ناوقت بود، او جان به حق سپرده بود. وقتی طالبان دیدندکه پسرم جان داد، برای من گفتندکه چراگریه نمی کنی؟ من گفتم دربیش سنگ وجوب گریه نمی کنم، وقتی تنهاشدم گریه می کنم !

این خبرنگارمی گویدکه یکی ازوحشتناک ترین آلهٔ طالبان درمناطق تحت کنترل شان، شبکه های لجام گسیختهٔ از زندانهای آنهاست، زندانی هایبیشتر کسانی اند که به اتهام کارکردن در دولت یابه اتهام عسکری یا به اتهام کار کردن درقوای امنیتی زندانی شده اند، وتحت شکنجه های مدهش وهولناکی قرارمی گیرند، واکثرا زیرشکنجهٔ زندانبانان فوت می کنند یا اینکه محکمه های صحرائی می شوند وبدون دلیل وبرهان تیرباران می گردند. اکثرا طالبان دروقت لت وکوب وشکنجهٔ متهمین مردم قریه راجمع می نمایند که تماشا کنند واین یک نوع شیوهٔ آنهاست تا دربین مردم خوف و هراس تولید سازند وکسی جرئت سخن گفتن ودلیل وبرهان آوردن دربرابرآنها نداشته باشند .

طالبان درشاهراه هاموتر مسافرین را توقف میدهند، هرکسی راکه دل شان بخواهد ازموتر پایین میکنند وبالای سیئهٔ شان دست می گذارند، اگرضربان قلب شخص بیشتر شد، او گنهکارشناخته شده به زندان انداخته می شود، شکنجه میشود، لت وکوب میگردد وسرانجام کشته می شود. طالبان در مناطق تحت کنترل خودمساجد رابه زندانها تبدیل کرده اند وقراراخبار رسیده هزارها نفربرای ماه ها وسال هادرآنها زندانی اندوحالت آنان خیلی هارقتبار میباشد. نه تنها موردلت وکوب، توهین وتوبیخ قرارمیگیرند بلکه غذایی که به آنها داده میشود، غذای پسمانده وبویناک ویایک پارچه نان خشک می باشد. آنهابالای زمین روی بوریای مساجد می خوانند، وجود شان خیلی چرکین ومتعفن بوده ورویهٔ غیرانسانی باآنها می شود. اکثراً بامحکمه های صحرائی از زمانی که قوماندان طالبان که بیشترجوانان بی بندوبار اند، خواسته باشند آنها رامی کشند، یا اینکه ازخویشاوندان وخانواده های آنها تقاضای پول شده ودربرابر آن آزاد می گردند . بعضا دیده شده است که طالبان هم پول گرفته اند وهم زندانی راکشته اند .

کسانی که اززندانهای طالبان جان به سلامت می برند دیگرآن انسان های عادی نمی باشند، ایشان راشکنجه واذیت ولت وکوب وشرايط رقتبارزندان ها بکلی به انسانهای غیرعادی مبدل میسازد، که تاآخیرعمر معلول، عاطل ومریض وازخود بیخود شده میباشند.

سیدحیات الله که درفیض آباددکان داشت روزی طالبان به دکانش می آیند و به اتهام دروغین ارتباط بادولت، دست وپای او را بسته زده زده ازدکانش می برند. اوکه هیچ ارتباطی بادولت نداشت ویک دکاندارعادی بود، بیست وپنج روز درزندان آنچه ازشکنجه های قرون وسطایی بود متحمل گردیدوسرانجام با فروختن دکان ودادن پول آن به طالبان، رها شد.اوبه خبرنگارنیویارک تایمز چنین گفت: آن شکنجه

داکتر نوید پارسا

نیویارک

طالب مرتکب ژنوساید یا جنایات ضد بشریت؟

از دید من :با محکوم ساختن وحشیان طالب منجیت دشمن نوع بشر یعنی Hostis Humani Generisموافقم.این وحشیان نه تنها برادران هزاره ما را هدف قرار میدهند بلکه سایر اقوام حتی پشتون ها نیز قربانی این جنایات طالب اند.

محدودساختن جنایات طالب به ضدیک گروه قومی تحت وصف ژنوساید، سایر جنایات راشامل نمیگردد. پس طالب جنایات ضد بشریت را انجام میدهد که وسیعتر بوده شامل همه جنایات این وحشی ها میگردد یعنی . Crimes against humanityلهذا نباید جنایات طالب رابایک وصف مشخص محدودساخت یاهردو جنایت را ذکر کرد. با ذکر این که جنایات ضد بشریت و جنایت ژنوساید را طالبان یعنی باند مسلح غیرقانونی ، برضد اقوام غیرپشتون مرتکب شده اند. از کوچ اجباری و سیاست سرزمین سوخته در شمالی تا قتل عام و شکنجه اوزبیکان و تاجیک ها .

نکنه مهم از دید تاریخی آن است که در مباحثات مربوط به حزب نازی آلمان هاوکشتاریهودیان ، سلاو ها ، جیپسی ها و اقوام غیر آریایی ؟ موضوع مسئولیت جمعی و موقوف اجازه دهنده و نفع برنده ملت آلمان منجیت مسئولیت جمعی نیز مطرح شده بود. دست کم در اوضاع کشور ما از غنی – کرزی – حکمتیار تا سایر رهبران سیاسی پشتون سیاست اغماض و چشم پوشی– مقابل این جنایات ضد بشریت و سیاست سرزمین سوخته – داشته اند که مسئولیت شان مطرح میباشد.

پ . ن. : من شدیدن مخالف کاربرد اصطلاح«جنایات جنگی» میباشم. کاربرد این اصطلاح برای گروه دهشت افگن و باند مسلح جنایتکار حیثیت طرف متحارب را میدهد با هویت سیاسی و اثرات حقوقی آن.

ها و اذیت ها متواتر به خواب من می آیند و بیدارشده وچیغ وفریاد می کشم . شش ماه مکمل بدنم می لرزید وازخود بیخود بودم، فقط به یک دیوانه مانندشده بودم. آروزها ازتاریک ترین وتلخ ترین ایام زندگی من است.

محمدامین که دردولت بحیث انجنیر ایفای وظیفه می نماید، گفت : از غزنی به طرف کابل می آمدم و در راه دفعتا دو طالب پیدا شد و تفنگ های شان را نشانهٔ موترسروسی که من هم درآن بودم گرفتند. راننده موتر را ایستادکرد، طالبان با چهره های وحشتناک درسرویس بالاشدند، هرکسی که کمی پاک وبالباس پاکیزه بود، توهین آمیز از مو های شان گرفته و می پرسیدندکه نفر دولت هستی یا نی؟ نوبت به من رسید گفتم انجنیرهستم، گفتند پایین شو، وباقتداق تفنگ درپشتم زدند، وقتی پایین شدم دست هایم را بستند ودرپشت موتر انداختند و به یک مسجد بردند، در آنجا ده یازده نفر دیگر هم زندانی بودند، همه دست ها وپا های شان بسته بود، چند لحظهٔ نگذشته بودکه یک طالب آمد و بدون اینکه سئوالی بکنندبه لت وکوب من شروع کرد باچوب برپشتم ودستهایم وپاهایم به اندازهٔ زدکه بیحال شدم. هروزیک طالب می آمدوهرکدام ماراکه دست و پای مابسته بود بسیارلت وکوب میکردبعدطالب دیگرآمده ازماسئوال مینمود.

فعالین اجتماعی درسازمانهای مطالعات گروه های مسلح میگویندکه در هر قریه مسجد زندان طالبان است ، و در سراسر افغانستان هزار ها هزار نفر درآن جا ها به حالت رقتبار در میان کثافات و گندگی ها و زیر زجر و شکنجه های طاقت فرسا به سر می برند. بیشتر این زندانی ها نمی دانندکه گناه آن ها چیست و مدت زندان شان چند است وحتی معلوم نیست چه تعداد از این زندانیان راکشته اند و خویشاوندان و اقارب شان از مرگ یا زنده بودن آنها اطلاعی ندارند.

درآن آوانی که کمونیست های روس به بخارا وخیوه ودیگرمناطق آسیای مرکزی که همه کشورها وسرزمین های مسلمان بودند حمله نمودند، مساجد بی شماری درهرگوشه وکنارآن موجود بود ، روس های کمونیست همه مساجد را یا به گدام های غله یا به موزیم ها تبدیل نمودند .

ولی طالبان لعنتی همه مساجد را زندان و شکنجه گاه وکشتارگاه انسان های بی گناه مبدل ساختند . که این نشان می دهد که روس های کمونیست به مراتب بر طالبان مزدور شرف داشته و به مساجدآن بی احترامی که طالبان میکنند، نکرده بودند ./

پروفسرداکتر عبدالواسع لطیفی الکسندریه، ورجینیا

صفحاتی از سیر زندگیم در وصلت و در هجرت (۶)

حوادث دیگری که بالای روحیات من درایام کودکی تأثیرات عمیق و ضربات روحی فراموش ناشدنی گذاشت، یکی هم حریق و آتشسوزیی بود که دریک سمت منزل نشیمن ما در همان کوچهٔ اندرابی به وقوع پیوست.



پروفیسر عبدالواسع لطیفی

نیمه های شب بود که فریاد وحشت انگیزمادرم مرا سراسیمه از خواب بیدار ساخت و مسلسل می گفت زودبرخیز که خانه سوخت! وقتی چشم گشودم دیدم شعله های ترس آورآتش از سمت مقابل اتاق نشیمن ما زبانه کشیده وجرقه ها با صدای هیبتناکی هرسو پراکنده میشود، تصورمیکردم بااین آتش مرگ ونابودی نیزهمراه است ودریک شب همه چیزتمام خواهدشد!

راستی وقتی این سطوررامی نویسم، یادم ازین بیت می آید :
بر مال و جمال دهر مغرور مباش

کان را به شبی برند و این را به تبی
بهرحال، شعله های آتش وصدای مهیب افتادن یک دیوار و سوختن دروازه هاوکلکین ها لحظه به لحظه وحشتناکتر می شدو درهمان گیرودار یادم ازمرد دوره گرد وافسانه سرای آمد که (سادو) گاهگاهی برای طلب صدقه به عقب درب حویلی مامیآمد وکتاب مصوری رابنام قصه های (جنت ودوزخ) روبروی ما می کشودو بانشان دادن تصاویرخیالی شعله های آتش دوزخ برای سوختن گنهکاران، داستان ترسناکی رانیزبه آن ضمیمه میساخت... من خیال کردم حادثهٔ ناگهانی آن شب نشانه ای ازهمان دوزخ افسانویست که مرد دوره گرد توضیح وهشدار میداد. لهذا برای نجات ازچنین بلیهٔ بزرگ، هرچه دعاونیایش ازمادرم درهنگام مصیبت هایش آموخته بودم، زیرب تکرارمیکردم ویا زیارت شاه دوشمشیره به کمک می طلبیدم. همهٔ اعضای فامیل باداد وفریاد سراسیمه بهرسومی دویدند. پدرم وسایر مردان ازمسایه هاکمک خواسته سطلهای آب راروی آتش میریختند ویکنفر هم موظف شدتامامورین اطفائیه را ازحادثه اطلاع دهد.

این حریق مدهش ازشراجهٔ منزل ما که زن نابینایی باتورنان پزی وذخیرهٔ هیزم خود(پشتاره های خار) درآن بودوباش داشت، منشأ گرفته ودراتاق های مجاورسرایت کرده بود... آن شب دیدم که وقتی مصیبت بزرگی رونما گردد انسانها باهم نزدیکترمیشوند وبرای نجات ازیک بلا ومصیبت ناگهانی به کمک ومعاونت وفداکاری های حیرت انگیزی مبادرت میورزند. همسایگان ما ازچهارجهت برای کمک وکشیدن لوازم اتاقهابه صحن حویلی و آوردن سطلهای آب باعجله وسرعت تمام صرف مساعی میکردند ودرخاموش ساختن آتش خانمانسوز، ازهیچ معاونتی دریغ نمی کردند. یادآن عطوفت های انسانی وغمشریکی هاوتعاون وفداکاری ها به خیر !

شاید درهمین لحظه هم ازخود بپرسیم که آیا دراین شب وروزمصیبت باری که خانهٔ مشترک وطن دستخوش جنگهای مدهش وطعمهٔ آتشسوزیهای بزرگ است، هموطنان وهمسایگان ومردم دور وپیشی که شعله های خانه برانداز آنرامشاهده ونظاره می کنند، بالاخر روزی برای خاموش ساختن چنین حریق همه گیر، دست کمک وتعاون بهم خواهند داد وعطوفت انسانی شان برخصوصمتها غلبه خواهدکرد؟

آیا به عمق تاریک دیگراین فاجعه متوجه شده ایم که دوام بی پایان این جنگ ها وآتش سوزی ها و راکت اندازی ها و انفجارات ناگهانی ، چه ضربه های دردناک روحی وعقده های روانی در وجودکودکانی که نسل فردا را می سازند، بجاگذاشته است؟

من که بعد از گذشت هشتاد سال هنوز هم آن حریق نیمه شب خانهٔ محقر اندرابی بافریادهای مادرم رابخاطر دارم ویادآن افسرده ام می سازد !/(دنباله دارد)

زلمی خلیلزاد

استدعای ظاهرشاه برای گرفتن لقب «بابای ملت»

زلمی خلیلزاد نمایندهٔ ویژهٔ ایالات متحده برای صلح افغانستان، در کتاب (فرستاده) اش، چگونگی قبول تقاضای مرحوم محمد ظاهر، پادشاه سابق، جهت اعطای لقب(بابای ملت) به وی را چنین به تصویر کشیده است :

«لویه جرگه، کابل، جون–جولای ۲۰۰۲: لویه جرگه هم رنگارنگ بود هم بسیارباهمیت. باآمدن نمایندگان، جؤ هیجان وامیدواری کابل رافراگرفت. شهروندان گوناگون افغان درآن حضورداشتند. از دور ازدحام نمایندگان چرخشی بود از دستارهای زرد، سفید وخاکستری. ملاها باریشهای بلند، فرماندهان پیشین مجاهدین بابکول های هموار پشمی و ازبک هاباچین های خود. مردان زیادی هم بودند که نه کلاه ونه قره قل پوشیده بودند. زنان لباس های رنگارنگی پوشیده بودند که ترکیبی ازپوشش سنتی وغربی بود. برخی سرهای خودرا پوشانده بودند وعده ای نپوشانده بودند. برخی ازمردان لباس های سنتی افغانی به تن داشتند، درحالی که شماردیگر کت و شلوارغربی. نمایندگان باتمايز هویت قومی وقبيله ای و همچنان به عنوان افغان، غرور و مفهوم وحدت ملی رابه نمایش گذاشتند.فضای جرگه گاهی پرسروصدا و زمانی جدی و موقربود .

رهبران افغان درقرن بیست لویه جرگه هایی باموفقیت آمیخته برگزار کردند. امان الله درلویه جرگهٔ ۱۹۲۸ درتقلای جلب حمایت ازنوسازی افغانستان، ازملکه ثریا خواست که حجابش رابردارد. درعوض، این حرکت واکنش شدید نمایندگان محافظه کاررابرانگیخت. ظاهرشاه آخرین رهبر افغانستان بود که ریاست یک لویه جرگهٔ نماینده را بدست گرفت. درسال ۱۹۴۱جرگه به بیطرفی افغانستان درجنگ جهانی دوم رای داد. لویه جرگهٔ سال ۱۹۶۴ اوباعث تشکیل پارلمان، خواستار برگزاری انتخابات مستقیم و زمینه ساز ادغام زنان در روندسیاسی شد.

افغان هادرلویه جرگهٔ جون ۲۰۰۲ بدنبال راهی برای نجات از رنج خود بودند . محل گردهمآیی همانندجشنی به بزرگی یک همایش سیاسی بود. در نبودمرکزی مناسب برای برگزاری همایش، آلمان هاخیمهٔ بزرگ جشن (اکتبری) رابرای اجلاس اصلی برافراشتند وچندین خیمهٔ کوچکترهم برای برگزاری نشست های مشورتی نمایندگان درهمان نزدیکی برپاکردند. محل لویه جرگه درمساحتی سه یاجهار برابرمیدان فوتبال ودرعقب دانشگاه پولی تکنیک موقعیت داشت .

من هیجان وخوشبینی را مانند نعمت آمیخته ای در میان مردم افغانستان دیدم. ترسیدم که حتی یک لویه جرگهٔ موفق میان جمعیتی که انتظارات زیادی از مجلس داشتند، باعث تقویت سرخوردگی خواهد شد . افغان ها در حالی که انتظار داشتند لویه جرگهٔ اضطراری پیشرفت بزرگی در عرصهٔ امنیت، وحدت ملی و مردم سالاری داشته باشد ، ماموریت واقعی وهدف این همایش تعمداً کمتر بلندپروازانه در نظرگرفته شده بود . مجلس بایستی حکومت جدیدی برمی گزید که هدایت تدوین پیش نویس قانون اساسی ملی را در ۲۰۰۳ به دست گیرد.

من فکرکردم که موضوع کلیدی حل جدال برسر دونکتهٔ اصلی بود : نقش ظاهرشاه و تقسیم وزارت خانه ها. این مواردچنان جدال برانگیزبود که قریب بود لویه جرگه اصلاً برگزارنشود. درواقع اوضاع عصرپیش ازبرگزاری اجلاس آشفته بود .

باتوجه به احترامی که کشوراکنون به شاه سالخورده قائل بود، کرزی متعهد بود که بابازگشت شاه ازهمان آغازبه عنوان یک لحظهٔ وحدت بخش برخوردکند. اما یک مشکل وجودداشت: کرزی نگران بازگشت نوهٔ شاه، مصطفی ظاهربود. کرزی فکرمیکرد که شاید اودرپی کسب کرسی ریاست جمهوری باشد. ازمن خواست که این مسئله راباشاه سابق درمیان بگذارم . وقتی باظاهرشاه صحبت کردم، او موافقت کرد که ترجیح میدهندنوه اش به گروه همراهان(ش) نپیوندد، اما ناشیانه است اگر او این پیام راصادرکند.

بعدتر همانروز بامصطفی ظاهر ملاقات کردم واوضاع راتوضیح دادم. به عنوان شیرین کننده ای افزودم که در صورت همکاری اودر رفع صلاحیت داوطلبانه ازخود در تلاش برای کسب ریاست جمهوری کرزی یک پست دپلماتیک برایش درنظر خواهدگرفت. اوتوافق کردوکرزی اورابه عنوان سفیر به ایتالیا فرستاد .

شاه قصدداشت چندروزپیش از ۲۱ مارچ روم راترک کند تادرجشن نوروزدرافغانستان باشد. امافهمیم و قانونی اطلاعات هشداردهنده ای بامن در میان گذاشتند. این اطلاعات بیانگران بود که(گلبدین) حکمتیار برای حمله به شاه توطئه چینی میکند. من تردیدداشتم که آنهاتهدیدهارا مبالغه آمیز جلوه میدهند. حکمتیاروپيروان غالباً پشتون او دشمنان درجه یک ائتلاف شمال بودند. سود بازیها باتهدیدها این بود که ميتوانست بازگشت شاه رابه تأخیر اندازد. آنهاتصورمیکردند که بازگشت شاه پشتون های کشوررا به هیجان خواهدآورد. باینهمه من نمی توانستم خطر راپیدبرم ...

سرانجام معلوم شد که تهدیدهاعلیه شاه واقعی بود. قانونی درچهارم اپریل اعلام کرد که وزارت داخله یک توطئهٔ بمب گذاری را که هدفش کشتن ظاهر شاه وسرنگونی حکومت کرزی بود خنثی کرد. نیروهای امنیتی افغان چندصد نفررابه اتهام توطئه چینی بازداشت وذخایرسلاح سنگین رادرسطح شهرضبط کردند. طراح این تلاش کودتا ظاهراً حکمتیاربود که تازه ازایران به افغانستان بازگشته بود...

به رغم این چالشها، مشارکت بالابود. انتخاب نمایندگان باشتاب پیش رفت. این جناح شاه بود که آمادگی های مارا دردقیقهٔ آخر واژگون کرد. جنرال عبدالولی یکی ازنزدیکترین دستیاران شاه آشکارا اعلام کرد که ظاهر شاه دولت انتقالی رارهبری خواهد کرد. کرزی ورهبران ائتلاف شمال شوکه شدند. من هم شگفت زده شدم. شاه بطورمکرر به من ودیگران گفته بود که با توجه به سن وسلامتش، چنین آرزویی ندارد. رهبران ائتلاف شمال ناگهان بحثی راشروع کردند که آیا نامزدخودرا برای رقابت باشاه معرفی کنند یا لویه جرگه رااز بنیادتحریم کنند. فهمیم تهدیدکرد که اگرشاه پاپیش بگذارد، علیه شاه دست به اقدام نظامی خواهد زد .

به دیدن کرزی رفتم، آشکاراعصبانی بودومی لرزید. لحظه ای که دستیارش در رابست، کرزی سخنان تندی به زبان آورد که قبلا نظیرش را ندیده(باید – نشنیده – ترجمه میشد. اداره) بودم . کرزی دربرابرشاه همواره از خودتمکین نشان میداد حتی درخلوت. اوحتی به روم سفرکرده بودتاشاه را در بازگشت به افغانستان همراهی کند. تندی اونسبت به اینکه دور زده شده، برای من ناگهانی بود. گذاشتم برای مدتی دلش راخالی کند وسپس از او خواستم که آرام شود. گفتم من خستگی ات رادرک میکنم، اما مواظب باش که هیچ چیزمنفی دربارهٔ شاه به دیگران نگویی، شنید. گفتم اعتبار اصلی تو به عنوان رهبر ناشی ازاین واقعیت است که توبه گروه روم نزدیک هستی. من شک دارم که ظاهرشاه واقعا بنخواهدرئیس حکومت انتقالی بود، ممکن است خانوادهٔ شاه سعی کنداز اوبعنوان یک رئیس اسمی برای ورودبه قدرت استفاده کند. وقتی کرزی آرام شد، به شوخی سرزنشش کردم: میدانی وقتی چیزی به بینی ات بخورد، دیگر فرصت رانی بینی !

درمقابل کرزی گفت منظورت چیست؟ یادآورشدم: نمیخواهی ائتلاف شمال راودار کنی که ازیکی ازوزارتخانه های امنیتی دست بردارد؟ درگذشته مشکل این بود که کرزی اهرم فشارزیادی نداشت، حالا ائتلاف شمانسبت به مقاصدمنتسب به ظاهرشاه آتشین شده بود. اگرمااین موضوع رادرمعامله برسر نقش شاه حل می کردیم، ائتلاف شمال حاضر به دادن امتیاز بود، کرزی شادتر شد. ساعت ده شب از ارگ بیرون شدم وبه اقامتگاه ظاهرشاه زنگ زدم، دستیارش زودترین فرصت ممکن برای دیدار باشاه رابه من داد .

فرday آن ساعت یازده به اتاق خواب شاه راهنمایی شدم. اتاق خوابی بارنگ آبی روشن و وسیع که پنجره هایش بسوی باغی باز میشد.عکسهای اعضای خانوادهٔ شاه روی میزی نزدیک تخت خواب مجلل او بود. *شاه تازه از خواب بیدار شده بود وهنوزلباس خواب برتن داشت*. سه چوکی راحت بازوداردراتاق بود اما دستیارشاه ایستاده ماند (ص پنج)

پیام هلی مبلرکباد برای سی سلگی امید
دوستان گرامی زیادی تلفونی وتوسط فیسوک ونیز با نامه های مهربانانه، سی سالگی جریدهٔ امید را تبریک وتهنیت گفته اند. این سه پیام نوشتاری به ترتیب تاریخ وصول به اداره، به خوانندگان ارجمند تقدیم می شود :

مریم سلیمان

جنبش امید شادو گل افروز باد

دروء به فرهنگیان نستوه وفرهیخته سر زمین ما عالیجنابان جناب اقای محترم کوشان وگلبانوی فرهیخته محترمه دو کنورس تمیله جان کوشان !

اجازه بدهید من مریم سلیمان به حیث یکی از هزاران فرد علاقمند این نشریه وزین و پرتیراژ تبریک عرض نموده و مراتب سپاس و ارجگذاری ام را بمناسبت این همه زحمات فرهنگی وکلتوری تان که همانا رشد کیفی در راستای انتخاب محتویات جریده وزین امید دلها در این سی سال متقبل شده اید، تقدیم حضور تان نموده امید افتخار بخشیده و بپذیرید.

واقعا کار و زحمات تان در قسمت جریده وزین امید دلها قابل تحسین و مباهات است خیلی صادقانه و بدون هر نوع تصب چون دژ مستحکم ایستادید ومیکوشید برای نگه داشتن این نشریه وزین سنگین و پرتیراژ که همه محتویاتش درخور ستایش است، برایتان در امور محوله زندگی شخصی واجتماعی شما جفت خردمند و منور و فرهنگیان نستوه موفقیتهای بیشمار و روز افزون از بار گاه خداوندمنان میطلبم .

شما صاحبان جهید جریده امید دلها ثروت و سرمایه ملی کشورم هستید که در حال واوضاع از حق مردم و ارامی وطن غافل نبودید که واقعاکار و زحمات تان قابل قدر است.
هکذا نویسندگان ، ژورنالیستان و دانشمندان بلند مرتبه که در طول سالها امید دلها را بدل پیوند زدند که تا به حال مطالب دست اول و علمی شان قابل قدر و افتخار است در کل همه شما اساتید منور قابل ارجگذاری بوده و افتخارات همیشگی ما می باشید.با عرض ادب ، حرمت و تمکین، ارادتمند و وطندار شما مریم سلیمان
الحاج امان الملک جلاله باباجان سپرنگفیلد ، ورجینیا

د امیدمیاشتنی دیرشمه کلیزه

خومره دخوشالی اوسرلولوخبیره ده چه دا دی د امید غوره اومنونکی اخبارخپله دیرشمه کلیزه نمازی مرحبا؛ دهرله نه لمازنه خپل قدرمن فاضل ورور شاغلی محمدقوی کوشان ته مبارکی اوپه زغرده دا وایم چه ! عمر دی لمر، صحت دی کامل، همت دی هسک، فعالیت دی دایم، سرلولو اوبریالیتوب دی د غالی امیل اوسه،آمین.

زمونږ دنولوافغانانو لوستونکو دپاره د داد او ویاړ خای دی چه په تولنه کی موداسی هسندویه عالمان ،نومیالی لیکوالان،دپوهی اوقلم خاوندان موجود دی چه په علمی اومطوعاتی برخو کی دمجلو،اخبارونو،رسالو، کتابونو،په لیکلو او خپرولو خپل ادبی اواجتماعی رسالت اومسئولیت ته متوجه شوی اوددی اجتماعی دندی اومسئولیت په چلولوکی تیار او چمتو دریدلی دی چه خه چاری ورته وایم.

د امریکی او نورو ملکونو مهاجروته چه چاپه پراخه توگه خدمتونه کری، اوپه علمی عرفانی،هنری ادبی،تاریخی مذهبی، اونشراتی اومطبوعاتی،برخوکی په پوره دول دخلکو ذهنیتونه روشانه کری یوه یی هم دامید ملی جریده اودفاضل ورورمحمد قوی کوشان هلی خلی چه دادی اوس خپله دیرشمه کلیزه نمازنی نوزه ورته په جهرمبارکی وایم او دخستن تعالی خخه یی بریالیتوب او پوره تندرستی اوتوانایی غوالم.

محمدفاروق مایل وودبریج، ورجینیا

شمع محفل

درشمارهٔ قبلی خواندم که «هفته نامهٔ امید » سی‌ساله شد، یابه عبارت دیگر مردی قوی و کوشا و مصمم برای سی سال چراغ امید رامانندشمع محفل خوانندگان وعلاق‌مندان داخل وخارج کشور زنده وفروزان نگهداشته است.

این پایمردی و استواری پیوسته وسلسله دار رابه مدیر مدبر «امید » جناب محمدقوی کوشان وهمکاران وهمزمان فرزانهٔ ایشان، که همواره باکاروان امید مردم همراه بوده اند، صمیمانه تبریک وشادباش می‌گویم . هفته نامهٔ امید ازآغاز تجاوزاتحادشوروی ازشمال، تا سقوط آن متجاوزین، وازآغازتجاوزطالبان مزدور وتاریک اندیش ازجنوب بروطن ومردم ماتاکنون در راه مبارزات (دنباله درصفحهٔ هشت)

سید آقا هنری

آیا تاریخ تکرار میشود؟

فضل هادی مسلمیار کیست؟
آیادرگذشته همچونمونه راداشتیم؟
کسی که منازلش باشگاه طالبان، داعش، القاعده، جنرالان پاکستانی، مخزن اسلحه واسکتهای انتحاری میباشد و چندین باردر مطبوعات هم برآمد؛ اماهیچ مرد پیدا نشدکه زنگوله رادرگردن این پشک درنده بیندازداموشهازشرش آرام شود.

اسم: فضل هادی مسلمیار مشهور

به قصاب

وظیفه قبلی : دریور، نزد مولوی نیک محمد رئیس امر بالمعروف مردی رؤوف ازولایت ننگرهار وظیفه فعلی: رئیس سنا (مشرانو جرگه)

وظایف خاص: همکار و رهبری گروه داعش در مشرقی سرمایه ۱۴سال قبل: ۵ لک کلدار ویک موترتونس لینی سرمایه فعلی: ۹۰ میلیون دالر در بانک های مختلف جایداد قبلی: یک خانه خرابه در ولسوالی چپریار ننگرهار جایداد فعلی بعد از چور:۳تانک تیل در راه ننگرهار تورخم،

۱ بالای رنگرود، ۲ تانک تیل در راه کابل ننگرهار و یکی هم در شهر کابل، ۳ خانه در شیرپور، ۲ خانه در کارته ۳ و ۱ خانه در کارته ۴دو بلند منزل درخوشحالخان وده ها نمره زمین درشهرک ملاتره خیل، ۷نمره در شهرک ملا عزت، ۲ بلند منزل در شهرننگرهار، ۱۰ ها نمره در شهرک امان الله خان، ۱۸ نمره در شهرک هدوال، ۱۵ نمره در شهرک سیاف، ۵۰ فیصد نمرات در شهرک دولتری زمین دولتی پولیگون، ۶ اپارتمان در شهرک سلیم کاروان ۳۰ جریب زمین در پغمان و به ده ها موتر زرهی وموترهای مودل بالا !

برادرش به نام یونس که بیسوادنیز است او را به رتبه دگروالی در نظم عامه ننگرهار جایجا کرده تانمرات شهرک سیاف را معامله کند ، اینکه اکثریت خویشاوندان خود را در گمرکات، ترانسپورت و جاهای عایداتی مقرر نموده و از همه شان حق المقرری ماهانه اخذ می کند موضوع جدا است.

این است دارایی معلوم این قصاب، خدا میداند که به چی اندازه جایداد و ثروت پنهان را دارا است.
لست آن عده از أعضاء خانواده مسلمیار که در حکومت وظیفه اجرا میکنند و ماهوار به جیب فضل هادی مسلمیار دالر میریزند.

۱- فضل هادی مسلمیار رئیس مشرانو جرگه، ۲- محمد صدیق دولتری ولسوال، ولسوالی بهسود، برادر مسلمیار ۳- قاری سیدعمرمسلمیاررئیس مرستون ننگرهار۴- محمد یونس مسلمیار قوماندان لوا نظم عامه نمبر ۷-۵- شمس الرحمن مسلمیار عضو شورای ولایتی۶- سیداکبر مسلمیار معاون گمرک ولایت کابل۷- غلام حیدر فقیرزی خسربره مسلمیار رئیس ریاست مهاجرین ننگرهار۸- قوماندان نوراکبرمسلمیار ۹- قوماندانان گمرکات قندهار و اسلام قلعه هرات ۱۰- غلام قادر فقیرزی مسوول ترازو ولایت لغمان۱۱- جگرن شیرولی در ریاست رجال برجسته ۱۲- محمد صادق مسلمیار رئیس، ریاست زراعت ننگرهار، بچه کاکای مسلمیار۱۳- خسربره، مدیر املاک ولسوالی سرخرود۱۴- مدیر حقوق ولایت ننگرهار از افراد خاص مسلمیار۱۵- آمر استخبارات حوزه اول شهر جلال آباد، از افراد خاص مسلمیار۱۶- مسؤول عواید دروزاه های شاروالی جلال آباد از افراد خاص مسلمیار۱۷- نجیب الله کامه وال رئیس، ریاست صحت عامه ننگرهار که در امتحان ناکام مانده اما به زور مسلمیار تا به حال رئیس است !۱۸- رئیس ارکان فعلی ریاست امنیت ننگرهار که سابق مدیر شهری امنیت بوده و به اساس بی کفایتی منفک شده بود از افراد خاص مسلمیار۱۹- عبدالهادی مسلمیار فرزندو سمیع الله مسلمیار و عابدالله مسلمیار برادرزاده ها بحیث أعضاء پارلمان جوان، ازیک فامیل ۳ تن .

منبع: دارایی های قبل و حال رئیس مجلس سنا(شبکهٔ اطلاع رسانی افغانستان)

زندگی نامهء فضل هادی مسلمیار با این واقعیت در عهد نادر غدار شبیه است:

هامبورگ ، جرمنی



استدعای ظاهرشاه ...

من شروع کردم: اعلیحضرت چه خیراست؟ آیا نظرتان راتغییرداده اید؟ گفت وگویی راکه در روم داشتیم یادآوری کردم، وقتی که شاه ترجیح قطعی اش رابرای داشتن نقش نمادین مثلاً (بابای ملت) اظهارداشت. اوبه صراحت دو گزینهٔ دیگررا ردکرده بود: شهروندی بدون هیچ عنوان رسمی و یا مقامی در رأس دولت .ظاهرشاه به آرامی آنچه را درروم گفته بود تکرار کرد: اینکه درجستجوی مسئولیت رهبری دولت انتقالی نیست. اوافزودکه در این سن ووضعیّت سلامتیش چنین کاری غیرممکن خواهدبود . او تقصیر شایعه را به دوش اعضای خانوادهٔ خود انداخت ولحن صدایش هم نوعی ناراحتی از آنها رانشان میداد . اونتیجبه گیری کردکه نقش اعزازی مثل (بابای ملت) برای او مناسبتر است نسبت به ریاست دولت . من پیشنهاد کردم که او و کرزی کنفرانس مشترک خبری برگزارکنند تااوضاع آرام و ابهام دور شود. او موافقت کرد .

به ارگ بازگشتم ودیدم که کرزی باناراحتی قدم میزند. خبرمراکه شنید راحت شد. سپس دربارهٔ لویه جرگه تبادل نظر کردیم . من پیشنهاد دادم که با ائتلاف شما حرف بزنیم. تا اینجا آنهاحاضرنبودند که حتی ازیکی ازوزارتخانه های امنیتی دست بردارند. من پیشنهاددادم که در ازای خودداری شاه از نامزدی، آنها بایداعطای لقب بابای ملت به ظاهرشاه را بپذیرند ویکی از وزارتخانه های کلیدی را تحویل دهند(!) .

سپس برموارد مشخصی تمرکزکردیم. عبدالله در جایگاه وزیرخارجه هیچ سرمایهٔ واقعی امنیتی رادرکنترل نداشت و فهیم نیرومندتر ازآن بودکه از پست وزارت دفاع حذف شود. توافق کردیم که بهترین گزینه (محمدیونس) قانونی است که کناره گیری کندوبه یک پشتون اجازه دهدکه رهبری وزارت داخله رابدست گیرد. ائتلاف شمال این پیشنهاد را با اکراه پذیرفت./»

(برگرفته ازصفحات۱۴۳تا ۱۴۷ کتاب«فرستاده » نوشتهٔ زلمی خلیلزاد، ترجمهٔ هارون نجفی زاده، انتشارات عازم، کابل، چاپ دوم، ۱۳۹۶خورشیدی)

مرحوم غبار در جلد دوم ، ص ۵۰ از کتاب افغانستان در مسیر تاریخ می‌نویسد :

«نادرخان برای هندوستانی‌های انگلیس ها و جواسیس دست باز داده بود. مثل الله نواز خان ملتانی ترجمان که بعداً وزیر دربار، وزیر فواید عامه، یاور شاه و وزیر مختار در جرمنی می‌شود، از خاندان شاهی زنی برای خود و زنی برای پسرش می‌گیرد .

هکذا یک گادی‌وان هندوستانی به نام قربان حسین پنجابی که در دورهٔ امان الله خان موتروان شرکت افغان واگنر جرمنی ، بعد ها دزد بگیر گمرک کابل شده بود اینک به عنوان شاجی سید عبدالله خان همدانی با یونیفورم نظامی دومین بلندترین رتبهٔ نائب سالاری و رئیس جبه خانه‌های کشور، فابریکهٔ بوت دوزی و یک تاجر ملیونر شد .

شاجی یا شاهجی گادی وان هندوستانی ، فابریکهٔ اسلحه‌سازی را تقریباً نابود کرد ، تعداد کارگران از ۴ هزار به ۶۰۰ نفر تقلیل یافت ، خانه‌اش مرکز رفت وآمد قبایلی‌ها ومردمان ناشناسی شد، هر شب ۵۰ نفر به دسترخوان وی می‌نشست و ۱۰۰ عدد عم انبه هندی که هر دانهٔ آن ۵ افغانی قیمت داشت، چیده می‌شد و خودش روزی ۵ قطی سگرت دود می‌کرد.

ضمیمه : گفته می‌شود تعدادی از افرادوابسته به جمعه خان همدرد و دستیار فضل هادی مسلمیار رئیس مجلس سنای افغانستان ، تعدادی از افراد به شمول مرید صحرایی سکرتر ریاست پاسپورت را مورد لت و کوب قرار داده است.

افراد مسلح وابسته به جمعه خان همدرد مشاور رئیس جمهور غنی و فضل هادی مسلمیار رئیس مجلس سنا و از چهره های برجسته ی حزب اسلامی نزدیک به گلبدین حکمتیار ، امروز سکرتر ریاست پاسپورت را به شدت لت و کوب کرده اند. گفته شده بعدازین حادثه، فضل هادی مسلمیار به خاطر عذر خواهی به ریاست پاسپورت رفته است./

مشتاق احمد کریم نوری
شمال کالیفرنیا
جہالت گرہ های کور دروطن است!
اھدا به روح خبرنگاران واهل رسانهٔ کشورم واهدا به صلح پسندان واقعی!
توماس مانیر فیلسوف ودانشمندانگلیس میگوید که درنبود دولت(قانونیت) یا قانونمدار، انسانهاگرگ همدبگرمی شوند.
بدبختی ما گناه بیگانه نبود
پیوند ما از اول صمیمانه نبود
بودیم بظاہر همه مشتاق وطن
درباطن مانقشی از آن خانه نبود

ملتی که به جهل قناعت کند مثل درخت بید است، میوه نمی دهد، اما خشک وتر تاریشه می سوزد. سیاست زمین سوخته سالهاست درسرزمین ما جریان دارد، ونسل کشی و فرهنگ کشی و زبان کشی و عالم وخبرنگارکشی باید درج(لیست جنایات علیه بشریت) گردد، وعاملین آن درهروقت که بوده اندوهستند، بایدبعنوان(نسل کش وجنایتکارعلیه بشر) درتاریخ ثبت شوند.

جوبایدن رئیس جمهورامریکا کشتارسال۱۹۱۵ارامنه رانسل کشی خواند.امسال درروز۲۴اپریل ۲۰۲۱ که ۱۰۶مین سالگرداین کشتارعمومی است، کشورهای مثل روسیه، فرانسه، جرمنی، کانادا، ایتالیاہم این کشتاررابه نام نسل کشی یاد می نمایند، ولی بریتانیا واسرائیل ازجملۂ کشورهایی اندکہ از تعابیر وعناوین دیگری برای این ماجرا استفاده میکنند. درحالیکہ بایدن در سخنرانی صدروزکاریش گفت مادرخاک پاکستان، اسامه بن لادن طراح حمله برایالات متحده دریازدہ سپتمبرراکشتیم وهراس افگنان القاعده راکہ برای امریکا تهدید بزرگ بودند، ازبین بردیم یاحملات شان رامحدود ساختیم. اکنون زمان آن رسیده کہ قوای امریکوآن فرزندانی را کہ در ۱۱سپتمبرحتی تولد نشده بودند ، به کشورشان باز گردانیم .

این سخنان درحالی ابرازشده کہ برطبل خشونت وکشتارجمعی برعلما و نخبانان ودانشگاهها ومکاتب ومدارس وشفاخانه وحوزه واموریت غرب و شرق وشمال وجنوب کابل ولوگر درهمین هفته بشدت جریان داشته کہ جنایات بشری واقعی میباشد. اما ملا ہبّت اللہ درپیام عیدی خودبیان میداردکہ فہرست سیاه ملل متحد دربرابرصلح مشکل ایجاد می کند، حذف نشدن نام رہبران گروہ شان ازفہرست سیاه و طولانی شدن روندہایی زندانیان طالبان و حملات نظامی دربرابرصلح مشکل میکند. ملا درپیام ازدولت بایدن وجامعۂ جہانی خواست بہ این مشکلات نقطۂ پایان بگذارند!واقعاّمایۂ حیرانیست!! میگفتنددریش وتسبیح گیری کہ ازپی کارہایش فتنہ ونیرنگ وآزارخلق باشد، پوست شیطان دارد ! اما درلباس عبادت خودرامستورساخته است !

آقای بایدن! شما در سخنان سوم می تان درروزجہانی مطبوعات گفتید ما شجاعت خبرنگاران رادرہمہ جاگرامی میداریم، خبرنگاران ازحقیقت رونمایی می کنند، سوءاستفادہ ازقدرت راکنترول مینمایند وازکسانی کہ درقدرت ہستند درخواست شفافیت میخواہند. حضورفعال آنان برای یک دموکراسی فعال ضرورت پنداشته می شود .

جناب بایدن، مگردرجریان مضحکہ بنام نشست های صلح آیاقتل های زنجیرہ یی روزنامہ نگاران واهل رسانه و علمای جیدافغانستان راخبرنمی شوید ؟
چہ تأثیری کرد آمدن شما وچہ فرقی نمود؟
باید درآن سخنرانی ازروزنامہ نگاران وسایل ارتباط جمعی درجریان ہمہ گیری کرونا کہ درخط مقدم آگاہ سازی عمومی باخطرانداختن جدی سلامت شان مواجہ بودند، باقدردانی یاد نمود. درہمانروزوزیرخارجہ اش آنتونی بلیکن گفت: « ماازدولتہاوحکومتہا میخواہم درمورد جرایم اعلام شدہ علیہ خبرنگاران وکارمندان رسانه های گروہی پاسخگو باشند » ولی باوجودیکہ ہمہ مشکلات سرجایش باقیست، روندانتقال عساکرشان ازاول می آغازشدہ، بگفتۂ شان تاروز۱۱سپتمبرخاتمہ مییابد، ہرچندرحمت اللہ نبیل سابق رئیس امنیت ملی گفته کہ این تاریخ مورد پذیرش طالبان قرارنگرفته ممکن این روندبہ باورنبیل شایدتا۴جولای خاتمہ یابد!

بہمہ حال ازاقدامات سختگیرانۂ طالبان برسرآزادی رسانه ہاازہمان ابتدا محسوس وملموس بود وهوشدارہای پیہم شان وهدف قراردادن رسانه نمونہ های همان عقدہ های شان است، کہ ہمہ جوانب روندگفتگوی صلح بشمول طراح و معمار (نشست های صلح) زلمی خلیلزاد کلوخ برآب

گذاشته ودولت جدیدومستقردرکاخ سفید کہ باوجودپیامہاوناہمہ های سرگشادہ بہ روشنی خاطر نشان کردندکہ خلیلزاد راازاین ماموریت کہ ناکام درناکام بودہ وہست کنار بزیند، اما با وجودی کہ این اعجوبہ بہ حزب دموکرات منسوب ہم نیست، اماہنوزہم حرف اول رادربارۂ صلح افغانستان می زندوہمہ را فریب دادہ است. این درحالیست کہ افغانستان درارزیابی کہ بہ خاطرروزجہانی مطبوعات صورت گرفت، درمیان ۱۸۰کشوردردیف۱۲۲ ازنگاہ آزادی بیان اعلام شد !

خانم انیسہ شہید خبرنگارطلوع نیوز بہ مثابۂ(چہرۂ آزادی بیان) در افغانستان شناختہ شد، عصمت سروش ازاطلاعات روز وکریم امینی ازطلوع نیوز، عبدالرقيب سائل ازآژانس خبری پژواک وگل رحیم ساروان خبرنگار صدای امریکادرجملۂ پنج تنی اند کہ بہ ترتیب ازاول تاپنجم درزمرۂ دہ نفر اعلام شدند، نام مرحوم داعی خبرنگاررادیوآزادی نیزذیدہ میشود.

سازمان گزارشگران بی سرحد درلستی کہ درآستانۂ روز جہانی آزادی مطبوعات نشر کرد، بیان داشت کہ بعضی کشورہا در جدول امسال چندان صعودی نداشتہ بلکہ سقوط ونزول نیزداشتہ اند، کشورہای کوریای شمالی و ایران درشمارہ های ۱۷۳و۱۷۴ درمیان ۱۸۰کشورقرارگرفتند. شایان توجہ است کہ درلست یاہیئت ہفت نفری کہ این چہرہ ہاخبرنگاران ممتاز رابرسی میکرد، لیز دوست خبرنگارکارکشتہ وباتجربۂ سرویس جہانی بی بی سی، یکی ازنامزدان این چہرہ ہابودہ درافغانستان. درحالیکہ سازمان دیدبان حقوق بشراعلام کردہ کہ کاش کمکهای جامعۂ جہانی بہ افغانستان، دسترسی زنان رابہ خدمات بہداشتی کاش دادہ و ادامۂ این وضع باعث مرگ ومیریشترزنان می شود. در راپورتازہ کہ درآستانۂ روزمادر(۷می – ۱۶ثور) انتشار یافت، میزان دسترسی زنان بہ خدمات صحی (تکان دہندہ) ارزیابی شدہ وازجامعۂ جہانی خواستہ تاکمکهای بخش صحی رابہ دوراز مسایل سیاسی وامنیّت انجام بدہند. نہادیادشدہ کمکهای مالی و انسانی رابہ نظام بہداشتی درافغانستان(مسألہ مرگ و زندگی) مردم تلقی کردہ وهوشداردادہ اگراین کمکھاوبی توجہی ہا کاش یابد، زنان و کودکان بیشتر ازدست خواہدرفت . درحالیکہ همچوتہدیدہابہ نحوی جریان دارد، یک ہیئت دولت افغانستان گویاازجانب جناح جمهوریت برای گفتگوہامقام های محکمۂ بین المللی لاہہ سفر کردہ اند. هدف این سفرگفتہ شدہ کہ اطمینان دادن از ارادہ و برنامۂ عملی حکومت(جمهوریت) دراستای رسیدگی بہ جرایم بین المللی(!؟) شدہ. فضل احمدمعنوی وزیرعدلیہ، ذبیح اللہ کلیم دادستان عمومی(لوی سارنوال) ومحمد حنیف اتمر وزیرخارجہ وشماری ازکارمندان و کارکنان نہاد های ذیربط درهمین ہفتۂ اول ماہ می، روزپنجشنبہ بہ لاہہ رفتند تا گویا دیگر کسی لای چرخ عدالت چوب نگذارد ! بہ ہرحال، درآستانۂ روزجہانی آزادی مطبوعات واین ہفتہ کہ گویابہ نام(ہفتۂ معارف) نیزمسماشدہ، درزمرۂ ۱۸۰کشور ارائه شدہ آزادی مطبوعات ۱۳۰کشوردرموقعیت نامطمئن قراردارند کہ۷۳درصد بصورت عمومی یاکامل یانسیی درحال مختل شدن بودہ۷۲کشوربہ شکل ناگوار مختل بودہ، ۵۳ در صدکشورہا درتنگنا قرارداشتہ واعمال محدودیت واختلاس وساطورسانسور، اختلال درپوشش خبری وهکذا کرونانیزدرجملۂ این محدودیتہاوجالشہاقرار داشته است.

اینکہ تصمیم گرفتم تاچندشمارہ ہم دربارهٔ امنیت واهمیت روزنامہ نگاران بنویسم تاامنیت یک مطبوعاتی سابقہ دار ادای دین ورسالت کردہ باشم. امروزبعضی ہادر یوتیوب یک کلیپ نما رامشکند کہ سرمستلہ کہ صحبت میکنند بجزخواہان(لایک) وسبب اشتراک(سبسکرایب) دیگرہیچ محتوا نداشتہ وبگانی گویا دارند برنامہ سازی میکنند سرمسایل شخصی وگپ های نہایت مبتذل اتکارمینمایند کہ گویاکارمطبوعاتی دارند. چون من از کسانی بودہ ام کہ درآغازین دہۂ نود کہ زمزمہ های اضمحلال وفروباشی شوری سابق مطرح گردیدہ بود ودرسال ۱۹۹۱کہ همچویک روزی بنام روز جہانی آزادی مطبوعات درملل متحدیادشدہ بود، در چند کنفرانس آزمان اشتراک داشتم وهمین طوردرسال ۱۹۹۳ کہ در ۲۰دسمبربا قطعنامۂ ۴۸/۴۳۲ در چہل وہشتمین مجمع عمومی م م سوم می بحیث روزجہانی آزادی مطبوعات ہستہ گزاری شد ومن در سالہای مذکوردر کنفرانسهای مطبوعاتی اشتراک و سخنرانی کردم ونوشتم کہ ہنوزہم حتی (فیسبوک) تولدنشدہ بود کہ نوشتم. و حتی آقای(مارک ذاکربرگ) تولدنشدہ بود کہ نوشتم.

بہرحال درنقشۂ جدید پیشکش شدہ بارنگہای سیاہ، سرخ و نارنجی، یعنی وضعیتهای بسیاربد، وخیم ودشوار ونامطلوب تذکار یافت، کشورہایی کہ در ردیف اول تادہم برای امسال برگزیدہ شدہ اند، ناروی برای بارپنجم مسلسل است کہ اول شدہ وهرچند ملاحظاتی ہم بخاطرکرونا ارائه شدہ، ولی بازہم این کشوراروپای شمالی اول شدہ، البتہ ازکشورہای سکاندناوی، فنلند نیزمقام دوم وسویدن مقام سوم را درلست امسال ازخودنمودہ اند .

درجۂ چہارم راہالند وپنجم را دنمارک وبہمین ترتیب سویس ششم، نیوزیلندہفتم، جامائیکا ہشتم، بلژیک یابلجیم نهم و کاستاریکا دہم . جالب است کہ ایالات متحده بہ مثابۂ گویا دژ فولادی دموکراسی ومردمسالاری وآزادی بیان در مکان وجایگاہ۴۴ قرارگرفته است.

درحالیکہ منحث یک روزنامہ نگارقديم وطن از سازمان خبرنگاران بدون مرز تشکرمینمایم کہ بہ مثابۂ نہاد ارزندۂ جہانی ہموارہ درکشورہای جہان سوم بویژہ افغانستان حضورداشتہ، وبہمین ترتیب ازسازمان غذا و خوراک جہانی(اف آ او) کہ درسال ۲۰۲۰جایزۂ صلح نوبل رادرحالیکہ بسا نام ہاو کمیٹہ ہاکاندید بودند، بصورت تنہایی ازآن خودکرد، و من ازایشان ہم ابرازسپاسگزاری مینمایم، درشرایط کروناہہ مثابۂ یک نہادجہانی دین بشری خویش رادرمقابل ابنای بشر انجام دادہ است.

کرستیف دیوبار مسئول سازمان خبرنگاران بدون مرز دراین ہفتہ گفت روزنامہ نگاری بہترین واکسین علیہ اطلاعات نادرست است، کہ متاسفانہ تولید وتوزیع آن ازسوی کارمندان دولتی وحکومتی سیاسی، اقتصادی و فناوری وحتی زمانی ہم ازطرف فرهنگی نیز مسدود یامحدودمیشود.

بلی روزنامہ نگاری راہ رفتن روی قوغ آتش است. من بہ خانۂ آزادی بیان، موسسہ عالی مطبوعات کہ شماری از روزنامہ نگاران وخبرنگاران نخبہ وفادار بہ مسلک ہستہ گذاری شدہ تااعلامیہ های خواہان توقف فوری کشتار ہدفمندانۂ خبرنگاران واهل رسانه ہاشدہ اند. من سخنان آقای مجیب خلوتگر رئیس اجرایی ادارۂ حمایت ازرسانہ ها (نی) رامی ستایم کہ گفت: «خبرنگاران بہ جزئیات گفتگوهای صلح دسترس پیداکنند . »وہمین ترتیب گفته های آقای صدیق اللہ توحیدی رئیس کمیٹۂ مصونیت خبرنگاران را سزوار تمجید می دانم وبہ راستی نمایندگان رسانه ہاوجامعۂ مدنی نہ(معدنی)! درمذاکرات صلح حضورداشتہ باشند. و پیشنهاد اتحادیۂ سراسری ہنرمندان افغانستان و ابتکارجناب داکترعنایت اللہ شہرانی رئیس عمومی اتحادیۂ ہنرمندان راقابل قدر می دانم کہ گفت روزنامہ نگاران باید دراریکۂ قدرت و درنشتت های بزرگ صلح حضورداشتہ باشند.

براستی حکومت ہارا کہ روزنامہ نگاران درطول تاریخ مامورتشکیل کابینہ بودہ اند. بہرحال وضعیت آزادی مطبوعات، همانطوریکہ گفتم درشمال اروپاخوبتربودہ کہ در لسٹ تنها ۱۲ کشور کہ ازجملہ یادرمقایسہ بہ ۱۸۰کشور،۷ فیصد میشود، یعنی یک فیصد از سال قبل کہ ۸فیصد بود، از داشتن زیستگاہ مساعدا برای اطلاعرسانی خرسندبودہ اند، برازیل نیز با چہار پلہ سقوط در ردیف ۱۱۱ جدول قرارداد . کارواقدمات زاییر، بولسونا رئیس جمہور برازیل کہ اززمان کنفرانس اقلیمی پاریس مورد تقدیرسانہ ہاونہاد ها قراردادد، موضوع دیگر کہ بدان مضاف شدہ کہ افراد خانوادۂ او ونزدیکانش توهین وتحقیرکردن وبدنام ساختن آنہابہ رسانه ہاوبہ شمول عدم مدیریت درست ازکرونا وحتی عدم ہواوفضا برای تحت پوشش قراردادن کرونا و بالاخرہ تلفات زیاد کہ درسطح جہانی درزمرۂ کشورهای کرونازدہ مقام سوم را گرفته است.

البتہ حالا ہندوستان باتلفات اخیر وموج های دوم وسوم این کرونای جہش یافت درمقام بالاتر ازبرازیل قرار گرفت، ولی درآزادی بیان ازبرازیل جلوتراست،یعنی در موقعیت وجایگاہ بہتر از برازیل قراردادد. بہرحال کشتار زنجیرہ یی آزادی رسانه ہارا درافغانستان تہدید میکند، از ابرویروس کرونا کردہ ابرویروس های داخل بہ دنیای مطبوعات وفضای رسانه ہاضربہ زدہ و تلفات واردکردہ است. بلی ابر ویروس خشونت خشن وافراط گرایانہ و نہایت بی رحمانہ فقط انسان می بلعد و سرآدم درو می کند !

سالہا قبل وامسال ہنوزہم سرزمین ماخونین ترین سالہا برای خبرنگاران بودہ، جامعۂ ورزشی افغانستان نیز مدال آوران وافتخارآواران مورد تہدید دشمنی قراردارند. ہمین ہفتہ نوربہ تابش کاپیتان تیم ملی ہندبال ازولایت سرپل درمنزلش درمنطقۂ خیرآباد کشتہ شد. گذشتہ ازانسان، کہ حتی دشمنان افغانستان حتی حیواناتی کہ بہ افغانستان وبہ محل های کشور افتخاریباورد قبول کردہ نمی توانند. (ستارۂ وخش) اسپ بزکشی را ازولایت بدخشان را کہ افتخارات کمایی کرده بود، زہر دادہ اندتا ورزش دوستان را زہرہ کفک کنند! بلی اسپ ستارۂ وخش را زہر دادند تاصاحبش و علاقمندان ورزش را زہرہ کفک کنند ! /

کتاب (یادداشت‌های استادخلیل الله خلیلی) توسط بانوماری خلیلی ناصری و آقای افضل ناصری، به تازگی به زبان انگلیسی ترجمه شده است. علاقمندان میتوانند نسخه آنرا از مرجع ذیل بدست بیاورند:

Memoirs of Khalilullah Khalili: An Afghan Philosopher Poet – A Conversation with his Daughter, Marie (ISBN-13: 978-0615889726, 554 pages, \$19.99) is available in paperback in English and Persian at www.amazon.com.

Maids Weekly

The Most Widely Read Afghan Publication in the World

Volume 30, Issue No. 1083, JUNE 21, 2021, ISSN 1098-8777

Founder, Publisher & Editor-in-Chief: Mohammad Qawi Koshan
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge, VA 22192-7075 U.S.A.

Tel : (703) 491-6321 Email : mkqawi471@gmail.com

خاطرات استادان و شاگردان

لیسهٔ عالی حبیبیه

بزودی کتابی شامل تاریخچه و خاطرات استادان و شاگردان لیسهٔ عالی حبیبیه همراه با عکسهای تاریخی به چاپ می رسد. علاقمندان لطفاً چه زود ترشرح حال و سرگذشت و خاطرات خود را به آدرس هفته نامهٔ امید ویا ایمیل ذیل تا آخرماه دسمبر ۲۰۱۹ ارسال دارند. تلفون ۴۶۰۴-۴۳۵= ۵۷۱ mkqawi471@gmail.com
12286 Ashmont Ct #202, Woodbridge
VA 22192—7075 U. S. A.

قومیت و هویت تاجیک ها ...

بنابر مسلط بودن زبان فارسی در کتابت و بیروکراسی حاکمیت های ترک و پشتون تاجیک ها همیشه به وسیله زبان نفوذ قابل ملاحظه در حاکمیت داشته اند. تسلط فارسی در دستگاه بیروکراسی برای قرن ها نه تنها تاجیک ها را سهمدار در قدرت حفظ کرده بلکه بخش های بزرگ از اقوام ترک و پشتون را فارسی زبان ساخته است اما در صد سال اخیر مفهوم تاجیک در افغانستان چه بوده است. روال معمول این بوده که فارسی زبان های افغانستان که به آنها فارسویان خطاب می شده خود را از دید هویتی تاجیک معرفی می کردند و این الزاما معنی اش این نیست که هر فارسی زبان تاجیک است.

ادغام دیگران در اقوامیکه ریشه شان به تمدن صحرایی رسد خیلی سخت و حتی ناممکن است اما ادغام با هویت تاجیک و حتی پنهان شدن در آن خیلی خیلی آسان است. تهداب هویت تاجیک زبان و فرهنگ است و هر که به این زبان و فرهنگ روی آورد تابعیت قومی تاجیک را از آن خود می کند و کسی از او نمی پرسد که از کدام سلسله تاجیکان است چنانچه بلوچ های بدخشان و تخار و بختیارها و قزلباش های غزنی همه در تذکره هایشان تاجیک نوشته است .

من در پی مقایسه و سبک و سنگین کردن خوبی ها و بدی های تمدن صحرا و تمدن دهنشین نیستم اما من حیث کسی که خودم به تبار تاجیک تعلق دارم می دانم که کار بسیج در میان تاجیک هاتنها با شعار به جایی نمی رسد. این قوم و یا بهتر است بگوئیم این هویت میراث بسیار بزرگ، عمیق و با محتوای یک فرهنگ را به دوش می کشد که شمشیر و زراب خانهٔ هیچ تهاجم آنرا از میان نبرده بلکه خود در آن جذب شده است. معنی حرف من این نیست که تنها باتوسل به کار فرهنگی ما بافت قدرت را عدالت محور می سازیم، نه! روزی حامد کرزی در یک مجلس خصوصی که مرا با خود داشت خطاب به استاد ربانی کرد و گفت استاد شما شکایت دارید که از قدرت کنار زده شده اید در حالیکه نفوذ تاجیک ها در بیروکراسی دولت من بالاتر از شخصت درصد است. استاد با تبسم بسیار معنی دار گفت اینها را شما شامل کار نساخته اید اینها صاحب خاک اند و حتمی نیست که هر تاجیک جمعیتی باشد. شمادر تلاش حذف فکرسیاسی ما هستید که می خواهیم قدرت منصفانه توزیع گردد مبارزه ما به خاطر از یاد مامورین تاجیک تبار نیست.)/(فیسبوک نویسنده) .

پیام های مبارکی

مبارزین راستین آزادی کشور از قید اسارت و قید جهالت طالبی همدوش بوده است . این نشریهٔ پرمحتوا و مبارز با وجود سنگ اندازیهای گاه و بیگاه متعصبین و نوکران اجنبی، در برابر آزادیخواهی و مبارزه برای عدالت اجتماعی در کشور هنوز هم شمع محفل و مشعل راه آزادگان و وطندوستان است بگفتهٔ صائب تبریزی: می گذازند ت به چشم شور، این نادیدگان

از زبان آتشین ، گر شمع محفل گشته ای(۹ جون ۲۰۲۱)

کوشش شود در دام دشمنان مرئی و نامرئی پس پرده در افغانستان و پاکستان کس نیافتد؛ به سوی نجات وطن از پرتگاه تباهی که توسط مهاجمین و ظالمان غیرمشروع حفر گردیده و بد تر از سفید بوستان یک صد سال پیش محل گرین وود شهر تولسای اوکلاهما اعمال فاشیستی و تبعیضی دارند به هر وسیلهٔ که می شود قدم های جدی برداشته شود. نوشته را با گفتار جو بایدن ۴۶ مین رئیس جمهور امریکا پایان می بخشم: «بعضی بی عدالتی ها آنقدر شنیع، هولناک و اندوه ناک است که هر قدر مردم کوشش کند، قطعاً نه فراموش شده می تواند و نه دفن می گردد./»

افغانستانی های معصوم را توسط طالب میسرتر نمی ساخت نه افغانستان و نه خود شان به این حالت منحوس روبرو می بودند. کاش جنرال های دلبیو بوش فعال میبودند تا باز به طالب ضربه های سخت وارد میکردند و معدومش می ساختند. ولی باور های آزادی بیان و احترام به مقام زن ریشه گرفت که طالبان ظالم خلاف همهٔ آنها به شمول قانون اساسی افغانستان اند.

آقای زلمی خلیلزاد، نماینده خاص اضلاع متحده در پایان مصاحبه اش با لطف الله نجفی زاده از تلویزیون طلوع که به روز هفتم جون ۲۰۲۱ نشر شد بالاخره اقرار کرد: «رژیم طالب مشروعیت ندارد و از آنها به نام ظالم اشاره نمود»؛ سپاسگذاریم. آوازه است که اضلاع متحده اختیارات سیاسی و نظامی افغانستان را به پاکستان میدهد که اگر راست باشد اشتباه بزرگ خواهد بود؛ این روش هیچگاه صلح و امنیت بدر منطقه به میان نخواهد آورد. صدراعظم سابق بریتانیا آقای دفید کامیران قسمی که در بالا تذکر رفت پاکستان را مسؤول تشویق طالب و پخش کنندهٔ تروریزم می داند که امریکا باید گوش دهد.

به هر صورت، روز به روز خشونت و کشتار ها شدیدتر و وخیم تر میگردد. متأسفانه، با شیوع از کنترول برآمده ای و ویروس کرونا این حالت تاثر آور و جگر خراش چندین چند گردیده است. از جانب دیگر یک دسته افغانستانی های خارج مرز که گاه گاهی در دولت مقامات عالی داشته اند به این فکر هستند که هم پاکستان، هم طالب و هم خود شان تغییر کرده اند. ولی عقیده برین است که behavior یا روش و رفتار فرد تغییر پذیر نیست: Elliot T Berman PhD در مجلهٔ consulting Psychologyنوشته است تغییر روش و رفتار یا behavior بسیار مشکل است و چوکات مقاله خود را به اساس ارقام نوروسائینس، تیوری ها و ریسرچ اجتماعی، cognitive و سیکولوجی سریری <https://www.psychologytoday.com> رقم زده است. علاوه، من فکر میکنم که این خم خم رفتن پاکستان است تا خوشبواران افغانستان را به طرز دیگر فریب دهد. از یکطرف داد میزنند که طرفدار صلح و آرامی در افغانستان اند چون صلح و آرامی در افغانستان به مفاد شان است، از جانب دیگر هزاران طالب پاکستانی که در رخصتی تابستانی اند برای جنگ به افغانستان می فرستند و لست تقاضا های بی منطق عجولانه و بد خواهانه چون شرایط صلح ترتیب داده اند که فقط خیال است و محال است و جون؛ ملاهای شان جنگ را در افغانستان جهاد می نامند در حالی که امام مکه و دیگران جنگ طالبان را حرام فتوی داده اند یعنی هر طالبی که کشته می شود روانه اسفل السافلین است .

به عقیدهٔ من، یگانه چارهٔ این تهاجمات پاکستانی، طالبی، داعشی، القاعده اتحاد و اتفاق بوده و هماهنگی برای یک قیام عمومی است که بدون تشدد، خشونت و بی نظمی به راه انداخته شود و اگر مؤثر نیفتد آنوقت میشود که دست به اسلحه برد و از راه نبرد حل و فصل نمود.

متأسفانه، فعلا نظر به پخش سریع و کشندهٔ ویروس کورونا، که خدا کند قصدی نباشد تا مردم از اجتماعات مدنی دوری جویند، فعالیت های مدنی در محاصره گرفته شده است. مردم باید از هدايات و قايوی وزارت صحت عامهٔ افغانستان برای نجات حیات خود و فامیل خود و دوستان خود جدآ تعقیب نمایند. مقالهٔ «لطفا ویروس کورونا را جدی بگیرید» که به قلم اینجانب در شماره ۱۰۷۹ ماهنامهٔ امید نشر یافته جهت معلومات بیشتر تان در سایت خراسان زمین از نظر بگذرانید، ممکن معلومات تان بیشتر شود.

با قدم های سنجیده و متین، مبارزه دوام دارد و

قتل عام نژادی ...

آمد و ۶۵۰ میلیون پوند برای بهبودی سیستم تعلیمی (؟) پاکستان، کامنويلت خود، تحفه داد.

لیدران اوکلاهما، بعد از ۷۵ سال به اعمال شنیع واندوهناک فاجعهٔ محل گرین وود متوجه شدند و پارلمان ایالتی اجازه تادیهٔ جبران نمود. به بازماندگان پروگرام های سکالرشپ و برای آلهایی که حیات داشتند کمک های مادی و معنوی دادند و پارک یادکار ساختند. در افغانستان از جبر اضافه ار ۲۸۰سال و مخصوصاً ۴۰ سال اخیر بر مردم افغانستان و مخصوصاً هزاره های ما کس سخنی از جبران نه بلکه هرروز خشونت، تشدد و تجاوزات بیشتر و بیشتر تر میگردد. گلبدین حکمتیار، قصاب کابل پسر خوانده ای پاکستان و دیگران که خود را متدین و متقی میدانند تا امروز توبه نه نموده اند و نه از مردم معذرت خواسته به جز جنرال دوستم که از مردم معذرت خواست. راکتیار، هر روز تهدیدات قتل و تشدد را به اشاره ای پاکستان ترویج و تمديد می بخشد.

کمیسیوني که در سال ۱۹۹۶ تشکیل شد جدی بود و مؤفقانه وبا جرأت نتایج تحقیقات خود را اعلان نمود. کمیسیون ۱۳ نفری که اشرف غنی در قسمت کشتار اعضای جنبش روشنایی تسوید کرد جنبش روشنایی نه پذیرفت چون ده ها کمیسیون بی نتیجه مانده بود. آنها تقاضا داشتند تا موضوع به یک گروپ مستقل بین المللی رجعت داده شود بدیعیست که مورد پسند ارگ قرار نگرفت و سبب شد تا لیدران جنبش روشنایی تهدید شوند. برای شان دوسیه ها ساخته شد که مجبور به تبعید شدند؛ بعضی از لیدران جنبش روشنایی به ترکیه هجرت نمودند.

با مقایسه آنچه در بالا تذکر یافت، دیده میشود که لیدران مسؤول وصادق و مورد اعتماد مردم که به اشتباه خود و اسلاف خود متوجه شوند و رنج ببرند، در افغانستان کمیاب است. سیستم قوی و با کفایت دیده نمی شود تا طالب ظالم را در منطقه شناسایی کند و به کیفر اعمالش برساند. باور من اینست که وکلا، وزرا و خود ارگ از طالبان ظالم حمایت میکنند و میدان را به نفع آن نا مسلمان ها به بهانه های عقب نشینی تاکتیکی! خالی میسازند تا در مناطق غیر پشتون نشین مخصوصا تاجک و ازبک و هزاره بتازند و غوغو کنان بر حیات و ملکیت مردم چک اندازند. بآنها هم، جوانان سرباز و جان فدای افغانستانی با جسارت و شهامت خارق العاده که افسران امریکا بر استعداد و عملیات های مسلکی شان اقرار دارند با تن خاک آلود، شکم گرسنه، و اسلحه و ملزومات معدود تا دم مرگ میجنگند تا محصور گردند و به قتل برسند! مسؤول کشته شدن شان اشرف غنی و وزارت دفاع است که در دفاع و حمایت شان ناکام اند. اشرف غنی با آزاد ساختن هزاران طالب ظالم و جنایت کار چون با شعور از بین مردم برای مردم نه بلکه برای تکان نخوردن از جوکی ارگ برخاسته است زمینه این قتل ها را مساعد میسازد؛ آنها ی راکه آزاد کرده دوباره قوماندان میشوند و خون افغانستانی های معصوم و بیگناه را می ریزانند.

اکنون اضلاع متحده از فاجعهٔ صد سال قبل که صدمهٔ مادی و معنوی در تاریخ خود درج نموده است باید ضروری که خود نه می پسندند به دیگران مخصوصاً جهان پس مانده مانند افغانستان از رساندن چنین ضرر اجتناب ورزند و پول تکس همشهریان خود را برای قتل و قتال بشریت به مصرف نرسانند. اضلاع متحده در افغانستان طی ۲۰ سال گذشته ۲۴۴۸ نفر کشته و قرار مطالعهٔ برون یونیورسیتی در سال ۲۰۱۹ برای پاکستان و افغانستان ۹۷۸ بلیون دالر بشمول یک قسمت سال ۲۰۲۰ مصرف کرده است. اگر به امنیت افغانستان هم توجه میداشت و اداره ترمپ زمینهٔ کشتار